

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بر کرانه غدیر

خطبه حضرت رسول اکرم(ص) در غدیر خم

تهیه و تنظیم: اداره کل امور فرهنگی دانشگاه یزد

نوبت چاپ: سوم

زمان چاپ: پاییز ۱۳۹۰

شمارگان: ۲۰۰ هزار نسخه

چاپ: اداره کل فرهنگی نهاد کتابخانه های کشور

مروفپینی و صفمه آرای: موسسه تبلیغات اطلس ۰۹۱۳۳۵۵۷۹۷۳

طرح جلد: محمد تقی شفیعی پور مهر جردی

فهرست مطالب

۳	مقدمه
	بخش اول: ترسیمی از صحنه غدیر
۵	جمع بندی برای ترسیم واقعه غدیر
	قسمت اول: برنامه های قبل از خطبه
۵	اهمیت حجه الوداع
۵	آغاز سفر حج
۶	خطابه اول در منی
۶	خطابه دوم در مسجد خیف در منی
۷	لقب امیرالمؤمنین
۷	اعلان رسمی برای حضور در غدیر
	قسمت دوم: کیفیت خطابه و جزئیات خطبه
۸	اجتماع مردم در غدیر
۸	پیامبر(ص) و امیرالمؤمنین(ع) برفراز منبر
۹	دو اقدام عملی بر فراز منبر
	قسمت سوم: مراسم بعد از خطبه
۱۰	بیعت مردان
۱۱	بیعت زنان
۱۱	عمامه «سحاب»
۱۱	شعر غدیر
۱۲	ظهور جبرئیل در غدیر
۱۲	معجزه غدیر، امضای الهی
۱۳	پایان مراسم غدیر
	بخش دوم: سند قطبه غدیریہ
۱۵	سند خطبه
۱۵	قسمت اول: منابع شیعه در مورد خطبه غدیریہ
۱۶	قسمت دوم: منابع اهل سنت در مورد خطبه غدیریہ
	بخش سوم: متن قطبه غدیریہ
۱۸	قسمت اول: حمد و ثنای الهی
۲۲	قسمت دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم
۲۴	قسمت سوم: اعلان رسمی ولایت و امامت ۱۲ امام
۳۰	قسمت چهارم: معرفی علی ابن ابیطالب(ع)
۳۰	قسمت پنجم: اهمیت مسئله امامت
۳۲	قسمت ششم: خطر انحراف و کارشکنی
۳۶	قسمت هفتم: معرفی دوستان و دشمنان
۳۸	قسمت هشتم: معرفی حضرت مهدی (عج)
۴۰	قسمت نهم: طرح مسئله بیعت
۴۰	قسمت دهم: حج
۴۲	قسمت یازدهم: احکام الهی
۴۲	قسمت دوازدهم: بیعت گرفتن
۴۷	پی نوشت ها

مقدمه

بانگ آسمانی «يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ» رحمه للعالمين، حضرت محمد بن عبدالله (ص) را بر آن داشت که در پی ابلاغ دستور الهی با زبانی که «ما يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ إِنْ هُوَ إِلَّا يُوْحَىٰ» برآید، و با ایراد خطبه غدیریه در غدیر خم، نزدیکی وادی تفتیده جُحفه منشور جاوید مکتب اسلام را بیان فرماید و جرعه جرعه کوثر زلال ولایت را برکام تشنگان حقیقت فرو ریزد.

آن وجود مبارک با عطر جانفزای کلامش که سرشار از معانی ژرف و نکاتی صریح و روشن بود، مردم آن روز تا ابدیت را خبر از طلوع خورشید تابناک امامت و جانشینی یازده ماه منیر از مشرق ولایت آن حضرت (ع) داد. تا جانهای مشتاق و قلب های سلیم را با روح و ریحان قرآن و عترت صفا داده و با ترسیم صراط مستقیم الهی بشریت را از کویر حیرت و هامون ضلالت رهائی بخشد و به سر منزل مقصود، یعنی مراتب عالی انسانیت رهنمون شود.

با اینکه علماء شیعه و سنی از قرون اول هجری تاکنون در کتابهای متعددی به اختصار یا به تفصیل واقعه، و خطابه غدیر را ذکر کرده اند، اما با کمال تأسف بسیاری از مسلمین جهان با متن کامل و مضامین عالی و مستحکم و حقائق نهفته آن آشنائی لازم را ندارند! و بعضاً گمان می کنند که در مورد چنین مطلب مهم و سرنوشت سازی با تمام آن مقدمات طولانی پیامبر اکرم (ص) تنها به جمله «من كنت مولا فلهذا عليّ مولا» کفایت فرموده است!

عده ای هم با توجیهات غلط خواستند چنین جلوه دهند که سخن درباره دوستی با علی (ع) بوده و در مورد خلافت و جانشینی کلامی گفته نشده! . راستی کدام انسان عاقل و با انصافی می تواند بپذیرد که عقل کل و خاتم رُسل، اسلام و مسلمین و حاصل بیست و سه سال زحمت شبانه روزی و طاقت فرسای خود را در اقیانوس بیکران حوادث چونان کشتی بی ناخدا رها کند. و این امر عظیم را به مردمی واگذار نماید که در ساده ترین مسئله دچار انواع اختلافات می شدند؟!

چنانچه تاریخ گواهی می دهد، پیامبر گرامی اسلام (ص) از اولین جلسات ابلاغ رسالت تا آخرین لحظات عمر شریفش مسئله خلافت و جانشینی بلافصل علی بن ابیطالب (ع) را به امر الهی بیان فرمودند و در روز هجدهم ذی الحجه سال یازدهم هجرت در غدیر خم به امر خداوند جای هیچگونه عذر و بهانه ای را برای احدی در این مسئله باقی نگذاشتند.



بخش اول

ترسیمی از صحنه غدیر



جمع بندی برای ترسیم واقعه غدیر

جزئیات وقایعی که در صحرای غدیر خم و قبل و بعد از آن اتفاق افتاده، بطور یکجا از یک نفر نقل نشده است. هر یک از حاضران گوشه‌هایی از آن مراسم با شکوه را بازگو کرده‌اند، و قسمتهایی از قضایا را هم ائمه معصومین (ع) نقل فرموده‌اند. بعضی اقدامات سرّی منافقین را هم که پیامبر (ص) با وحی و علم الهی از آن اطلاع پیدا کرده فقط به عده معدودی چون سلمان و ابوذر و مقداد و حذیفه و عمار فرموده است و آنان نقل کرده‌اند.

با یک بررسی و مطالعه در اخبار و احادیث و تاریخ، تصویری از جریان غدیر ترسیم گردیده که در سه قسمت این بخش تقدیم می‌شود:

ابتدا برنامه‌هایی که قبل از خطبه به عنوان زمینه‌سازی برای خطبه غدیر انجام گرفته ذکر می‌شود. سپس به کیفیت سخنرانی پیامبر (ص) و اقدامات عملی که بر فراز منبر انجام دادند اشاره می‌کنیم. در قسمت سوّم این بخش، مراسمی که بعد از خطبه غدیر انجام گرفته ذکر می‌گردد.

قسمت اول

برنامه‌های قبل از خطبه

اهمیت مَجّه‌الوداع^(۱)

هجرت پیامبر اکرم (ص) و خروج آن حضرت از مکه معظمه، نقطه عطفی در تاریخ اسلام به شمار می‌آید و بعد از این هجرت، حضرت سه بار به مکه سفر کرده‌اند.

بار اوّل در سال هشتم پس از صلح حدیبیه به عنوان «عمره» وارد مکه شدند و طبق قرار دادی که با مشرکین بسته بودند فوراً بازگشتند.

بار دوم در سال نهم به عنوان «فتح مکه» وارد این شهر شدند، و پس از پایان برنامه‌ها و برچیدن بساط کفر و شرک و بت پرستی به طائف رفتند و هنگام بازگشت به مکه آمده و عمره به جا آوردند و سپس به مدینه بازگشتند.

سومین و آخرین بار بعد از هجرت که پیامبر (ص) وارد مکه شدند در سال دهم هجری به عنوان «حجّه‌الوداع» بود که حضرت برای اوّلین بار بطور رسمی اعلان حج دادند تا همه مردم در حد امکان حاضر شوند.

در این سفر دو مقصد اساسی در نظر بود، و آن عبارت بود از دو حکم مهم از قوانین اسلام که هنوز برای مردم به طور کامل و رسمی تبیین نشده بود: یکی حج، و دیگری مسئله خلافت و ولایت و جانشینی بعد از پیامبر (ص).

آغاز سفر حج^(۲)

پس از اعلان عمومی، مهاجرین و انصار و قبایل اطراف مدینه و مکه و حتّی بلاد یمن و غیر آن به سوی مکه سرازیر شدند تا جزئیات احکام حج را شخصاً از پیامبرشان بیاموزند و در این اولین سفر رسمی آن حضرت به عنوان حج

شرکت داشته باشند. اضافه بر آن که حضرت اشاراتی فرموده بودند که امسال سال آخر عمر من است و این می‌توانست باعث شرکت همه جانبه مردم باشد. جمعیتی حدود یکصد و بیست هزار نفر (گاهی بیشتر از آن را هم نقل کرده‌اند) در مراسم حج شرکت کردند که فقط هفتاد هزار نفر آنان از مدینه به‌همراه حضرت حرکت کرده بودند، طوری که لبیک‌گویان از مدینه تا مکه متصل بودند.

حضرت چند روز به ماه ذی‌الحجه مانده از مدینه خارج شدند، و پس از احرام از «مسجدشجره»- که در نزدیکی مدینه است- راهی مکه شدند و بعد از ده روز طی مسافت در روز سه‌شنبه پنجم ذی‌الحجه وارد مکه شدند.

امیرالمؤمنین (ع) هم که قبلاً از طرف حضرت به یمن و نجران برای دعوت به اسلام و جمع‌آوری خمس و زکات و جزیه رفته بودند به‌همراه عده‌ای در حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن برای حج به مکه رسیدند.

با رسیدن ایام حج در روز نهم ذی‌الحجه حضرت به موقف «عرفات» رفتند و بعد از آن اعمال حج را یکی پس از دیگری انجام دادند، و در هر مورد واجبات و مستحبات آن را برای مردم بیان فرمودند.

خطابه اول در منی^(۳)

در عرفات دستور الهی نازل شد که علم و ودایع انبیاء (ع) را به علی بن ابی‌طالب (ع) منتقل کند و او را به عنوان خلیفه و جانشین خود معرفی کند.

در منی پیامبر (ص) اولین خطابه خود را ایراد فرمودند که در واقع یک زمینه‌سازی برای خطبه غدیر بود. در این خطبه ابتدا اشاره به امنیت اجتماعی مسلمین از نظر جان و مال و آبروی مردم نمودند، و سپس خون‌های بناحق ریخته شده و اموال بناحق گرفته شده در جاهلیت را رسماً مورد عفو قرار دادند تا کینه توزیها از میان برداشته شود و جو اجتماع برای تأمین امنیت آماده شود. سپس مردم را بر حذر داشتند که مبادا بعد از او اختلاف کنند و بر روی یکدیگر شمشیر بکشند. در اینجا تصریح فرمودند که: اگر من نباشم علی بن ابی‌طالب در مقابل متخلفین خواهد ایستاد.

سپس حدیث ثقلین بر لسان مبارک حضرت جاری شد و فرمودند: «من دو چیز گرانبها در میان شما باقی می‌گذارم که اگر به این دو تمسک کنید هرگز گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم یعنی اهل بیتم». اشاره‌ای هم داشتند به اینکه عده‌ای از همین اصحاب من روز قیامت به جهنم برده می‌شوند.

نکته جالب توجه اینکه در خطابه، امیرالمؤمنین (ع) سخنان حضرت را برای مردم تکرار می‌کردند تا آنان که دورتر بودند بشنوند.

خطابه دوم در مسجد خیف در منی^(۴)

در روز سوم از توقف در منی، بار دیگر حضرت فرمان دادند تا مردم در مسجد «خیف» اجتماع کنند. در آنجا نیز خطابه‌ای ایراد فرمودند که ضمن آن صریحاً از مردم خواستند که گفته‌های او را خوب بخاطر بسپارند و به غائبان برسانند.

در این خطبه به اخلاص عمل و دلسوزی برای امام مسلمین و تفرقه نینداختن سفارش فرمودند و تساوی همهٔ مسلمانان در برابر حقوق و قوانین الهی را اعلام کردند. بعد از آن بار دیگر متعرض مسئله خلافت شدند و حدیث ثقلین بر لسان حضرت جاری شد، و بار دیگر برای غدیر زمینه را آماده کردند.

در این مقطع، منافقین کاملاً احساس خطر کردند و قضیه را جدی گرفتند و برنامه‌های خود را آغاز کردند و پیمان‌نامه نوشتند و هم قسم شدند.

لقب «امیرالمؤمنین»^(۵)

در مکه، جبرئیل، لقب «امیرالمؤمنین» را به عنوان اختصاص آن به علی بن ابی طالب (ع) از جانب الهی آورد، اگر چه این لقب قبلاً نیز برای آن حضرت تعیین شده بود. پیامبر (ص) هم دستور دادند تا یک یک اصحابش نزد علی (ع) بروند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام کنند و «السلام علیک یا امیرالمؤمنین» بگویند، و بدینوسیله در زمان حیات خود، از آنان اقرار بر امیر بودن علی (ع) گرفت.

در اینجا ابوبکر و عمر به عنوان اعتراض به پیامبر (ص) گفتند: آیا این حقی از طرف خدا و رسولش است؟ حضرت غضبناک شد و فرمود: «حقی از طرف خدا و رسولش است، خداوند این دستور را به من داده است».

اعلان (رسمی برای مضور در غدیر)^(۶)

با اینکه انتظار می‌رفت پیامبر خدا در این اولین و آخرین سفر حج خود مدتی در مکه بمانند، ولی بلافاصله پس از اتمام حج حضرت به منادی خود بلال دستور دادند تا به مردم اعلان کند: فردا کسی جز معلولان نباید باقی بماند، و همه باید حرکت کنند تا در وقت معین در «غدیر خم» حاضر باشند.

«غدیر» کمی قبل از «جحفه» که محل افتراق اهل مدینه و اهل مصر و اهل عراق و اهل نجد بود به امر خاص الهی انتخاب شد. در این مکان، آبگیر و درختان کهنسالی وجود داشت. هم اکنون نیز، «غدیر» محل شناخته شده‌ای در دویست و بیست کیلومتری مکه و بفاصلهٔ دو میل قبل از «جحفه» بطرف مکه قرار دارد، و مسجد غدیر و محل نصب امیرالمؤمنین (ع) محل عبادت و زیارت زائران است.

برای مردم بسیار جالب توجه بود که پیامبرشان - پس از ده سال دوری از مکه - بدون آنکه مدتی اقامت کنند تا مسلمانان بدیدارش بیایند و مسائل خود را مطرح کنند بعد از اتمام مراسم حج فوراً از مکه خارج شدند و مردم را نیز به خروج از مکه و حضور در «غدیر» امر نمودند.

صبح آن روز که پیامبر (ص) از مکه حرکت کردند، سیل جمعیت که بیش از صد و بیست هزار نفر (و بقولی صد و چهل هزار، و بقول دیگر صد و هشتاد هزار نفر) تخمین زده می‌شدند به همراه حضرت حرکت کردند. حتی عده‌ای حدود دوازده هزار نفر از اهل یمن که مسیرشان به سمت شمال نبود همراه حضرت تا غدیر آمدند.

قسمت دوم

کیفیت خطابه و جزئیات خطبه

اجتماع مردم در غدیر^(۷)

همین که به منطقه «کراع الغمیم» - که «غدیر خم» در آن واقع شده - رسیدند، حضرت مسیر حرکت خود را به طرف راست جاده و به سمت غدیر تغییر دادند و فرمودند: ایها الناس، اُجیبوا داعی الله، انا رسول الله.

ای مردم، دعوت کننده خدا را اجابت کنید که من پیام آور خدایم. و این کنایه از آن بود که هنگام ابلاغ پیامی مهم فرا رسیده است. سپس فرمان دادند تا منادی ندا کند: «همه مردم متوقف شوند و آنان که پیش رفته اند باز گردند و آنان که پشت سر هستند توقف کنند» تا آهسته آهسته همه جمعیت در محل از پیش تعیین شده جمع گردند. و نیز دستور دادند: کسی زیر درختان کهنسالی که در آنجا بود نرود و آن موضع خالی بماند. پس از این دستور همه مرکبها متوقف شدند، و کسانی که پیشتر رفته بودند باز گشتند و همه مردم در منطقه غدیر پیاده شدند و هر یک برای خود جایی پیدا کردند، و کم کم آرام گرفتند. شدت گرما در اثر حرارت آفتاب و داغی زمین، سوزنده و بحدی ناراحت کننده بود که مردم و حتی خود حضرت گوشه‌ای از لباس خود را به سر انداخته و گوشه‌ای از آن را زیر پای خود قرار داده بودند، و عده‌ای از شدت گرما عباى خود را به پایشان پیچیده بودند.

از سوی دیگر، پیامبر (ص) مقداد و سلمان و ابوذر و عمار را فراخواندند و به آنان دستور دادند تا به محل درختان کهنسال بروند و آنجا را آماده کنند. آنها خارهای زیر درختان را کردند و سنگهای ناهموار را جمع کردند و زیر درختان را جارو کردند و آب پاشیدند. در فاصله بین دو درخت روی شاخه‌ها پارچه‌ای انداختند تا سایبانی از آفتاب باشد، و آن محل برای برنامه سه روزه‌ای که حضرت در نظر داشتند کاملاً مساعد شود.

سپس در زیر سایبان، سنگها را روی هم چیدند و از رواندازهای شتران و سایر مرکبها هم کمک گرفتند و منبری به بلندی قامت حضرت ساختند و روی آن پارچه‌ای انداختند، و آن را طوری بر پا کردند که نسبت به دو طرف جمعیت در وسط قرار بگیرد و پیامبر (ص) هنگام سخنرانی مشرف بر مردم باشد تا صدای حضرت به همه برسد و همه او را ببینند.

البته ربیعہ بن امیہ بن خلف کلام حضرت را برای مردم تکرار می کرد تا افرادی که دورتر قرار داشتند مطالب را بهتر بشنوند.

پیامبر و امیر المؤمنین (ع) بر فراز منبر^(۸)

انتظار مردم به پایان رسید. ابتدا منادی حضرت ندای نماز جماعت داد، و سپس نماز ظهر را به جماعت خواندند.

بعد از آن مردم ناظر بودند که پیامبر (ص) بر فراز آن منبر ایستادند و امیر المؤمنین (ع) را فرا خواندند و به او دستور دادند بالای منبر بیاید و در سمت راستش بایستد. قبل از شروع خطبه، امیر المؤمنین (ع) یک پله پائین تر بر فراز منبر در طرف راست حضرت ایستاده بودند. سپس آن حضرت نگاهی به راست

و چپ جمعیت نمودند و منتظر شدند تا مردم کاملاً جمع شوند. پس از آماده شدن مردم، پیامبر اکرم (ص) سخنرانی تاریخی و آخرین خطابه رسمی خود را برای جهانیان آغاز کردند. با در نظر گرفتن این شکل خاص از منبر و سخنرانی، که دو نفر بر فراز منبر در حالت قیام دیده شوند، به استقبال سخنان حضرت خواهیم رفت که در بخش سوم ذکر می شود.

دو اقدام عملی بر فراز منبر

در اثناء خطبه، پیامبر (ص) دو اقدام عملی بر فراز منبر انجام دادند که بسیار جالب توجه بود:

۱. علی بن ابی طالب (ع) بر فراز دست پیامبر (ص) (۹)

پیامبر (ص) پس از مقدمه چینی و ذکر مقام خلافت و ولایت امیرالمؤمنین (ع)، برای آن که تا آخر روزگار راه هر گونه شک و شبهه بسته باشد و هر تلاشی در این راه در نطفه خشی شود، ابتدا مطلب را بطور لسانی اشاره کردند، و سپس بصورت عملی برای مردم بیان کردند. بدین ترتیب که ابتدا فرمودند: «باطن قرآن و تفسیر آن را برای شما بیان نمی کند مگر این کسی که من دست او را می گیرم و او را بلند می کنم و بازویش را گرفته او را بالا می برم».

بعد از آن حضرت گفته خود را عملی کردند، و بازوی علی بن ابی طالب (ع) را گرفتند. در این هنگام امیرالمؤمنین (ع) دست خود را به سمت صورت حضرت باز کردند تا آنکه دستهای هر دوشان بسوی آسمان قرار گرفت. سپس پیامبر (ص) امیرالمؤمنین (ع) را از جا بلند کردند تا حدی که پاهای آن حضرت محاذی زانوهای پیامبر (ص) قرار گرفت و مردم سفیدی زیر بغل آن دو را دیدند، که تا آن روز دیده نشده بود. در این حال فرمودند: «هر کس من مولی و صاحب اختیار اویم این علی مولی و صاحب اختیار اوست».

۲. بیعت با قلبها و زبانها (۱۰)

اقدام دیگر حضرت آن بود که چون بیعت گرفتن از فرد فرد آن جمعیت انبوه، از طرفی غیر ممکن بود و از سوی دیگر امکان داشت افراد به بهانه های مختلف از بیعت شانه خالی کنند و حضور نیابند، و در نتیجه نتوان التزام عملی و گواهی قانونی از آنان گرفت، لذا حضرت در اواخر سخنانشان فرمودند: ای مردم، چون با یک کف دست و با این وقت کم و با این سیل جمعیت، امکان بیعت برای همه وجود ندارد، پس شما همگی این سخنی را که من می گویم تکرار کنید و بگوئید: «ما فرمان تو را که از جانب خداوند درباره علی بن ابی طالب و امامان از فرزندانش بما رساندی اطاعت می کنیم و به آن راضی هستیم، و با قلب و جان و زبان و دستان ما با تو بر این مدعا بیعت می کنیم... عهد و پیمان در این باره برای ایشان از ما، از قلبها و جانها و زبانها و ضمائر و دستانمان گرفته شد. هر کس بدستش توانست و گرنه با زبانش بدان اقرار کرده است».

پیداست که حضرت، عین کلامی را که می بایست مردم تکرار کنند به آنان القا فرمودند و عبارات آن را مشخص کردند تا هر کس بشکل خاصی برای خود اقرار نکند، بلکه همه به آنچه حضرت از آنان می خواهد التزام دهند و بر سر آن بیعت نمایند. وقتی کلام پیامبر (ص) پایان یافت همه مردم سخن او را تکرار کردند و بدین وسیله بیعت عمومی گرفته شد.

قسمت سوم

مراسم بعد از خطبه

بیعت مردان^(۱)

پس از پایان خطبه، مردم به سوی پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما هجوم آوردند، و با ایشان به عنوان بیعت دست می دادند، و هم به پیامبر و هم به امیرالمؤمنین (ع) تبریک و تهنیت می گفتند، و پیامبر (ص) هم می فرمود: «الحمد لله الذی فضلنا علی جمیع العالمین».

عبارت تاریخ چنین است: پس از اتمام خطبه، صدای مردم بلند شد که: «آری، شنیدیم و طبق فرمان خدا و رسول با قلب و جان و زبان و دستان اطاعت می کنیم». بعد بسوی پیامبر و امیرالمؤمنین صلوات الله علیهما و آلهما ازدحام کردند و برای بیعت سبقت می گرفتند و با ایشان دست بیعت می دادند. برای آنکه رسمیت مسئله محکم تر شود، و آن جمعیت انبوه بتواند مراسم بیعت را بطور منظم و برنامه ریزی شده ای انجام دهند، پیامبر (ص) دستور دادند تا دو خیمه برپا شود. یکی را مخصوص خود قرار دادند و در آن جلوس فرمودند، و به امیرالمؤمنین (ع) دستور دادند تا در خیمه دیگر جلوس نماید، و امر کردند تا مردم جمع شوند.

پس از آن مردم دسته دسته در خیمه پیامبر (ص) حضور می یافتند و با آن حضرت بیعت نموده و به او تبریک و تهنیت می گفتند. سپس در خیمه مخصوص امیرالمؤمنین (ع) حاضر می شدند و به عنوان امام و خلیفه بعد از پیامبرشان با او بیعت می کردند و به عنوان «امیرالمؤمنین» بر او سلام می کردند، و این مقام والا را به آن حضرت تبریک و تهنیت می گفتند.

نکته قابل توجهی که در هیچ یک از پیروزی های پیامبر (ص) - چه در جنگها و چه سایر مناسبتها و حتی فتح مکه - سراغ نداریم، این است که حضرت در روز غدیر مکرر می فرمود: «به من تبریک بگوئید، به من تهنیت بگوئید، زیرا خداوند مرا به نبوت و اهل بیتم را به امامت اختصاص داده است».

و این نشانه فتح بزرگ و در هم شکستن کامل سنگرهای کفر و نفاق است. برنامه بیعت و تهنیت تا سه روز ادامه داشت، و این مدت را حضرت در غدیر اقامت داشتند.

بسیار بجاست که در این مقطع به قطعۀ جالبی از تاریخ این بیعت اشاره کنیم:

اولین کسانی که در غدیر با امیرالمؤمنین (ع) بیعت نمودند و خود را از دیگران جلو انداختند همانهایی بودند که زودتر از همه آن را شکستند و پیش از همه پیمان خود را زیر پا گذاشتند. آنان عبارت بودند از: ابوبکر، عمر، عثمان، طلحه و زبیر، که بعد از پیامبر (ص) یکی پس از دیگری رو در روی امیرالمؤمنین (ع) ایستادند.

جالب تر اینکه عمر بعد از بیعت این کلمات را بر زبان می راند: «افتخار برای باد، گوارایت باد ای پسر ابی طالب، خوشا به حالت ای ابا الحسن، اکنون مولای من و مولای هر مرد و زن مؤمنی شده ای!»

نکته دیگر این بود که پس از امر پیامبر (ص) همه مردم بدون چون و چرا با امیرالمؤمنین (ع) بیعت می کردند، ولی ابوبکر و عمر با آنکه پیش از همه خود را برای بیعت به میان انداخته بودند قبل از بیعت بصورت اعتراض گفتند: آیا این امر از طرف خداوند است یا از طرف رسولش (یعنی: از جانب خود می گویی)؟ حضرت فرمود: «از طرف خدا و رسولش است»، و نیز فرمود: «آری حق است از طرف خدا و رسولش که علی امیر المؤمنین است».

بیعت زنان

پیامبر (ص) دستور دادند تا ظرف آبی آوردند، و پرده ای زدند که نیمی از ظرف آب در یک سوی پرده و نیم دیگر آن در سوی دیگر قرار بگیرد، تا زنان با قرار دادن دست خود در یک سوی آب، و قرار دادن امیرالمؤمنین (ع) دست خود را در سوی دیگر با حضرت بیعت کنند؛ و به این صورت بیعت زنان هم انجام گرفت.

همچنین دستور دادند تا زنان هم به حضرتش تبریک و تهنیت بگویند، و این دستور را درباره همسران خویش مؤکد داشتند.

یادآور می شود که بانوی بزرگ اسلام حضرت فاطمه زهرا (ع) از حاضرین در غدیر بودند. همچنین کلیه همسران پیامبر (ص) در آن مراسم حضور داشتند.

عمامة «سحاب»^(۱۲)

پیامبر (ص) در این مراسم عمامه خود را که «سحاب» نام داشت، به عنوان تاج افتخار بر سر امیرالمؤمنین (ع) قرار دادند و انتهای عمامه را بر دوش آن حضرت آویزان نمودند و فرمودند: «عمامه تاج عرب است».

خود امیرالمؤمنین (ع) در این باره چنین فرموده اند: «پیامبر در روز غدیر خم عمامه ای بر سرم بستند و یک طرفش را بر دوشم آویختند و فرمودند: «خداوند در روز بدر و حنین، مرا بوسیله ملائکه ای که چنین عمامه ای به سر داشتند یاری نمود».

شعر غدیر^(۱۳)

بخش دیگری از مراسم پرشور غدیر، درخواست حسان بن ثابت بود. او به حضرت عرض کرد: یا رسول الله، اجازه می فرمائید شعری را که درباره علی بن ابی طالب (بمناسبت این واقعه عظیم) سروده ام بخوانم؟

حضرت فرمودند: بخوان به برکت خداوند.

حسان گفت: «ای بزرگان قریش، سخن مرا به گواهی و امضای پیامبر گوش کنید».

و سپس اشعاری را که در همانجا سروده بود خواند که به عنوان یک سند تاریخی از غدیر ثبت شد و به یادگار ماند. ذیلا متن عربی شعر حسان و سپس ترجمه آن را می آوریم:

لدي دوح خمّ حين قام منادياً
بأنّك معصومٌ فلا تك وانياً
وإن انت لم تفعل و حذرت باغياً
رسالته إن كنت تخشى الأعاديأ
بیمنی یدیہ معلن الصوت عالیأ

الم تعلموا أنّ النبی محمداً
وقد جاءه جبریل من عند ربّه
و بلغهم ما أنزل الله ربهم
عليک فما بلغتهم عن إلهم
فقام به إذ ذاک رافع کفّه

فقال لهم: من كنت مولاه منكم
فمولاة من بعدى على و اننى
فيارب من والى على فواله
و يا رب فانصر ناصر به لنصرهم
و يا رب فاخذل خاذليه و كن لهم
آيا نمى دانيد كه محمد پيامبر خدا (ص) كنار درختان غدیر خم با حالت ندا
ايستاد، و اين در حالى بود كه جبرئيل از طرف خداوند پيام آورده بود كه در اين
امر سستى مكن كه تو محفوظ خواهى بود، و آنچه از طرف خداوند بر تو نازل
شده به مردم برسان، و اگر نرساني و از ظالمان بترسى و از دشمنان حذر كنى
رسالت پروردگارشان را نرسانده‌اى.

در اینجا بود كه پيامبر (ص) دست على (ع) را با دست راست بلند كرد و
با صدای بلند فرمود: «هر كس از شما كه من مولای او هستم و سخن مرا بباد
مى سپارد و فراموش نمى كند، مولای او بعد از من على است، و من فقط به او
نه به ديگرى - به عنوان جانشين خود براى شما راضى هستم. پروردگارا هر
كس على را دوست بدارد او را دوست بدار، و هر كس با على دشمنى كند
او را دشمن بدار. پروردگارا يارى كنندگان او را يارى فرما بخاطر نصرتشان،
امام هدايت كننده‌اى را كه در تاريخها مانند ماه شب چهارده روشنى مى بخشد.
پروردگارا خوار كننده گان او را خوار كن و روز قيامت كه براى حساب مى ايستند
خودت جزا بده».

ظهور جبرئيل در غدیر^(۱۴)

مسئله ديگرى كه پس از خطبه پيامبر (ص) پيش آمد و بار ديگر حجت را بر
همگان تمام كرد، اين بود كه مردى زيبا صورت و خوشبوى راديدند كه در كنار
مردم ايستاده بود و مى گفت: «بخدا قسم، روزى مانند امروز هرگز نديدم. چقدر
كار پسر عمويش را مؤكّد نمود، و براى او پيمانى بست كه جز كافر به خداوند
ورسولش آن را بر هم نمى زند. واى بر كسى كه پيمان او را بشكند».

در اینجا عمر نزد پيامبر (ص) آمد و گفت: شنيدى اين مرد چه گفت؟!
حضرت فرمود: آيا او را شناختى؟ گفت: نه. حضرت فرمود: «او روح الامين
جبرئيل بود. تو مواظب باش اين پيمان را نشكنى، كه اگر چنين كنى خدا و
رسول و ملائكه و مؤمنان از تو بيزار خواهند بود!»

معجزه غدیر، امضای الهی^(۱۵)

واقعه عجيبى كه به عنوان يك معجزه، امضای الهی را بر خط پايان غدیر ثبت
كرد جريان «حارث فهرى» بود. در آخرين ساعات از روز سوّم، او به همراه
دوازده نفر از يارانش نزد پيامبر (ص) آمد و گفت: «اى محمد! سه سؤال از تو
دارم: آيا شهادت به يگانگى خداوند و پيامبرى خودت را از جانب پروردگارت
آورده‌اى يا از پيش خود گفتى؟ آيا نماز و زكات و حج و جهاد را از جانب
پروردگار آورده‌اى يا از پيش خود گفتى؟ آيا اين على بن ابى طالب كه گفتى «من
كنت مولاة فعلى مولاة...» از جانب پروردگار گفتى يا از پيش خود گفتى؟»
حضرت در جواب هر سه سوال فرمودند: «خداوند به من وحى کرده است و

واسطه بین من و خدا جبرئیل است و من اعلان کننده پیام خدا هستم و بدون اجازه پروردگارم خبری را اعلان نمی‌کنم.»

حارث گفت: «خدایا، اگر آنچه محمد می‌گوید حق و از جانب توست سنگی از آسمان بر ما ببار یا عذاب دردناکی بر ما بفرست.»

و در روایت دیگر چنین است: «خدایا، اگر محمد در آنچه می‌گوید صادق و راستگو است شعله‌ای از آتش بر ما بفرست.»

همینکه سخن حارث تمام شد و به راه افتاد خداوند سنگی را از آسمان بر او فرستاد که از مغزش وارد شد و از دبرش خارج گردید و همانجا او را هلاک کرد. در روایت دیگر: ابر غلیظی ظاهر شد و رعد و برقی بوجود آمد و صاعقه‌ای رخ داد و آتشی فرود آمد و همه آن دوازده نفر را سوزانید.

بعد از این جریان، آیه «سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ ، لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ دَافِعٌ ...»^(۱۶) نازل شد. پیامبر (ص) به اصحابشان فرمودند: آیا دیدید و شنیدید؟ گفتند: آری.

و با این معجزه، بر همگان مسلم شد که «غدیر» از منبع وحی سرچشمه گرفته و یک فرمان الهی است.

پایان مراسم غدیر^(۱۷)

بدین ترتیب پس از سه روز، مراسم پایان پذیرفت و آن روزها بعنوان «ایام الولایه» در ذهنها نقش بست^(۱۸). گروهها و قبائل عرب، هر یک با دنیایی از معارف اسلام، پس از وداع با پیامبرشان و معرفت کامل به جانشین او راهی شهر و دیار خود شدند، و پیامبر (ص) عازم مدینه گردید.

خبر واقعه «غدیر» در شهرها منتشر شد و به سرعت شایع گردید و به گوش همگان رسید، و بدینگونه خداوند حجّتش را بر مردم تمام کرد.



بخش دوم

سند خطبه غدیریه



سند خطبه

جا داشت واقعه غدیر خم با خطبه ارزشمند پیامبر اکرم(ص) با داشتن بیش از یکصد و بیست هزار شنونده و راوی مستقیم همیشه بر سر زبان ها گفتگو شود و سینه به سینه رایج باشد، متأسفانه با جو حاکم بر اجتماع مسلمین و حوادث هولناک، پس از رحلت پیامبر(ص) و اعلام ممنوعیت نقل حدیث از طرف هیئت حاکمه، سخنان سرنوشت ساز پیامبر خدا (ص) مدتی از دسترس مردم و نسل های بعدی تا حدودی خارج شد.

اما از سوی دیگر چون هیچ حدیثی به اندازه حدیث غدیر راوی نداشته این وضعیت نتوانست از انتشار آن در بین آحاد مسلمین جلوگیری کند و در نتیجه حدیث غدیر از قول ۱۱۰ صحابی و ۸۴ نفر از تابعین رسول الله (ص) و نقل ۳۶۰ محدث و مورخ ثبت شده است و از نظر سند و روایان و شواهد، بسیار عالی و روشن در کتب شیعه و سنی آمده و یا لا اقل قسمت های مهمی از آن نقل شده است.

قسمت هایی که به هیچ وجه قابل توجیه و تحریف نیست و کاملاً مسئله ولایت و امامت بلا فصل علی ابن ابیطالب (ع) از آن استفاده می شود مانند این قسمت از خطبه که پیامبر اکرم (ص) خطاب به مردم فرمودند: «الَسْتُ أَوَّلِيْكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قَالُوا: بَلَى». آن گاه دست علی (ع) را گرفت، بلند کرد و فرمود: «فَمَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَا اللّٰهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَ انْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَ اخْذِلْ مَنْ خَذَلَهُ ...» که ضمن نقل اصل واقعه غدیر خم در اکثر قریب به اتفاق کتب حدیثی و تاریخی اهل سنت، آمده است، و ابعاد این واقعه همراه با قرائن و شواهد موجود در آن استدلال ما را به وسیله همین قسمت از خطبه بسیار محکم می کند.

قسمت اول

منابع شیعه در مورد خطبه غدیریه

۱. حافظ و واعظ شهید محمد بن فنال نیشابوری، معروف به {ابن الفارسی} متوفای سال ۵۰۸ ه.ق. در کتاب {روضه الواعظین} صفحه ۹۱ - ۱۰۱ چاپ نجف اشرف ۱۳۵۳ ه.ق. تمام خطبه را به نقل از امام محمد باقر علیه السلام آورده است.
۲. عالم ثقه و محدث فقیه احمد بن علی بن ابی طالب در کتاب {الاحتجاج علی اهل اللجاج} جلد ۱: صفحه ۵۸ - ۶۷ چاپ بیروت ۱۴۰۱ ه.ق.
۳. جمال الدین مرتضی ابی عبدالله محمد بن حسین بن حسن رازی در {نزهة الکرام و بستان العوام} جلد ۱: صفحه ۱۸۸ - ۲۰۰. چاپ تهران ۱۴۰۲ ه.ق.
۴. علی بن یوسف بن المطهر - برادر علامه حلی متولد سال ۶۳۵ ه.ق. متوفای ۷۱۰ ه.ق. در کتاب {العدد القویه لدفع المخاوف الیومیهج} (خ).
۵. رضی الدین ابوالقاسم علی بن موسی بن جعفر بن طاووس حسینی متوفای ۷۶۴/ ۶۶۸ ه.ق. در کتاب {الیقین فی امره امیر المؤمنین} صفحه ۱۱۳ - ۱۲۵ چاپ نجف اشرف ۱۳۶۹ ه.ق.
۶. زین الدین ابو محمد علی بن یونس عاملی نباطی بیاضی. متوفای ۸۷۷ ه.ق. در کتاب {الصراط المستقیم الی مستحقّی التقدیم} جلد ۱: صفحه ۳۰۱ - ۳۰۴ چاپ

تهران ۱۳۸۴ ه.ق.

۷. ملا محسن فیض کاشانی متوفای سال ۱۰۹۱ ه.ق. در کتاب {علم الیقین} جلد ۲: صفحه ۶۴۰ - ۶۴۸، چاپ تهران ۱۴۰۰ ه.ق.
۸. و در کتاب {تفسیر صافی} جلد ۱: صفحه ۴۶۰ - ۴۷۱ چاپ تهران ۱۳۷۴ ه.ق.
۹. سید هاشم بن سلیمان بی اسماعیل حسینی بحرانی، متوفای سال ۱۱۰۷ یا ۱۱۰۹ ه.ق. در کتاب {غایه المرام} صفحه ۹۸ - ۹۹، چاپ تهران ۱۲۷۱ ه.ق.
۱۰. و در کتاب {البرهان فی تفسیر القرآن} جلد ۱: صفحه ۴۳۶ - ۴۴۳ چاپ تهران ۱۳۷۵ ه.ق.
۱۱. مولی محمد باقر مجلسی متوفای ۱۱۱۱ ه.ق. در کتاب {بحار الانوار} جلد ۳۷: صفحه ۲۰۱ تا ۲۱۷ چاپ تهران ۱۳۸۰ ه.ق.
۱۲. علامه شیخ مهدی سماوی در کتاب {الامامه فی ضوء الکتاب و السنه} جلد ۳: صفحه ۱۷۴ - ۱۹۱، چاپ کویت ۱۳۹۹ ه.ق.
۱۳. علم الهدی علی بن الحسین حسینی خراسانی در کتاب {نهج الخطابه} صفحه ۱۰۴ - ۱۵۵، چاپ تهران

قسمت دوم

منابع اهل سنت در مورد خطبه غدیریه

۱. ابن حجر از طبرانی، در کتاب الصواعق المحرقة، فصل ۵، باب اول، ص ۲۵.
۲. هیثمی شافعی، کتاب مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۶۴.
۳. ابن عساکر شافعی، ترجمه الامام علی بن ابی طالب از تاریخ دمشق، ج ۲، ص ۴۵، حدیث ۵۴۵.
۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ص ۱۶۸، حدیث ۹۵۹.
- (این چهار عالم خطبه غدیریه را از حذیفه بن اسید غفاری (صحابی بزرگ) نقل نموده اند).
۵. حاکم نیشابوری، المستدرک، ج ۳، ص ۱۰۹ و ص ۵۳۳.
۶. شمس الدینی ذهبی، تلخیص المستدرک.
۷. سنایی، خصائص امیرالمؤمنین، ص ۹۳.
۸. کتاب مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۳۷۲ و ص ۲۸۱.
۹. طبری شافعی، ذخائر العقبی، ص ۶۷.
۱۰. ابن صباغ مالکی، الفصول المهمه، ص ۲۴.
۱۱. جلال الدین سیوطی شافعی، الحاوی للفتاوی، ج ۱، ص ۱۲۲.
- علمای اهل سنت که اعتراف به «تواتر حدیث غدیر» نموده اند.
۱. ملا علی قاری حنفی، المرقاه، شرح المشکاه، ج ۵، ص ۵۶۸.
۲. جمال الدین عطاء الله بن فضل الله شیرازی، الاربعین.
۳. ابن کثیر دمشقی، البدایه و النهایه
۴. تستری، احقاق الحق، ج ۲، ص ۴۲۳.



بخش سوم

متن خطبه غدیریه



الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فِي تَوْحِيدِهِ وَدَنَا فِي تَفَرُّدِهِ وَجَلَّ فِي سُلْطَانِهِ وَعَظُمَ فِي أَرْكَانِهِ،
وَأَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا وَهُوَ فِي مَكَانِهِ وَقَهَرَ جَمِيعَ الْخَلْقِ بِقُدْرَتِهِ وَبُرْهَانِهِ، حَمِيدًا
لَمْ يَزَلْ، مَحْمُودًا لَا يَزَالُ (وَمَجِيدًا لَا يَزُولُ، وَمُبْدِنًا وَمُعِيدًا وَكُلُّ أَمْرٍ إِلَيْهِ يَعُودُ).
بَارِئُ الْمَسْمُوكَاتِ وَدَاحِي الْمَدْحُوتَاتِ وَجَبَّارُ الْأَرْضِينَ وَ السَّمَاوَاتِ، قُدُّوسٌ
سُبُّوحٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، مُتَفَضِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ بَرَاءِهِ، مُتَطَوِّلٌ عَلَى جَمِيعٍ مِّنْ
أَنْشَاءِهِ.

يَلْحَظُ كُلُّ عَيْنٍ وَالْعُيُونُ لَا تَرَاهُ.

كَرِيمٌ حَلِيمٌ ذَوَّانِتٍ، قَدْ وَسِعَ كُلُّ شَيْءٍ رَحْمَتُهُ وَ مَنْ عَلَيْهِمْ بِنِعْمَتِهِ. لَا يَعْجَلُ
بِانْتِقَامِهِ، وَلَا يُبَادِرُ إِلَيْهِمْ بِمَا اسْتَحَقُّوا مِنْ عَذَابِهِ. قَدَفَهُمُ السَّرَائِرُ وَ عَلِمَ الضَّمَائِرُ، وَلَمْ
تَخَفْ عَلَيْهِ الْمَكُونَاتُ وَلَا اسْتَبْهَتْ عَلَيْهِ الْخَفِيَّاتُ. لَهُ الْإِحَاطَةُ بِكُلِّ شَيْءٍ، وَالْغَلْبَةُ
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ، وَالْقُوَّةُ فِي كُلِّ شَيْءٍ وَالْقُدْرَةُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ وَلَيْسَ مِثْلُهُ شَيْءٌ. وَهُوَ
مُنْشِئُ الشَّيْءِ حِينَ لَا شَيْءَ دَائِمٌ حَتَّى وَقَائِمٌ بِالْقِسْطِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ.
جَلَّ عَنْ أَنْ تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ. لَا يَلْحَقُ أَحَدٌ
وَصْفَهُ مِنْ مُعَايَنَةٍ، وَلَا يَجِدُ أَحَدٌ كَيْفَ هُوَ مِنْ سِرٍّ وَعَلَانِيَةٍ إِلَّا بِمَادَلٍّ عَزَّوَجَلَّ عَلَى نَفْسِهِ.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي مَلَأَ الدَّهْرَ قُدْسُهُ، وَالَّذِي يَغْشَى الْأَبَدَ نُورُهُ، وَالَّذِي يُنْفِذُ أَمْرَهُ
بِالْمُشَاوَرَةِ مُشِيرٍ وَلَا مَعَهُ شَرِيكٌ فِي تَقْدِيرِهِ وَلَا يُعَاوَنُ فِي تَدْبِيرِهِ. صَوَّرَ مَا ابْتَدَعَ
عَلَى غَيْرِ مِثَالٍ، وَخَلَقَ مَا خَلَقَ بِالْمُعُونَةِ مِنْ أَحَدٍ وَلَا تَكْلَفٍ وَلَا احْتِيَالٍ. أَنْشَأَهَا
فَكَانَتْ وَبَرَّأَهَا فَبَانَتْ.

فَهُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمُتَّقِنُ الصَّنْعَةِ، الْحَسَنُ الصَّنِيعَةِ، الْعَدْلُ الَّذِي لَا يُجُورُ،
وَالْأَكْرَمُ الَّذِي تَرْجِعُ إِلَيْهِ الْأُمُورُ.

قسمت اول: حمد و ثنای الهی

ستایش خدای را سزااست که در یگانگی اش بلند مرتبه و در تنهایی اش به آفریدگان نزدیک است؛ سلطنتش پر جلال و در ارکان آفرینش اش بزرگ است. بی آنکه مکان گیرد و جابه جا شود، بر همه چیز احاطه دارد و بر تمامی آفریدگان به قدرت و برهان خود چیره است.

همواره ستوده بوده و خواهد بود و مجد و بزرگی او را پایانی نیست. آغاز و انجام از او و برگشت تمامی امور به سوی اوست. اوست آفریننده آسمان ها و گستراننده زمین ها و حکمران آن ها. دور و منزله از خصایص آفریده هاست و در منزله بودن خود نیز از تقدیس همگان برتر است. هموست پروردگار فرشتگان و روح؛ افزونی بخش آفریده ها و نعمت ده ایجاد شده هاست.

به یک نیم نگاه دیده ها را ببیند و دیده ها هرگز او را نبینند.

کریم و بردبار و شکیباست. رحمتش جهان شمول و عطایش منت گذار. در انتقام بی شتاب و در کیفر سزاواران عذاب، صبور و شکیباست. بر نهان ها آگاه و بر درون ها دانا. پوشیده ها بر او آشکار و پنهان ها بر او روشن است. او راست فراگیری و چیرگی بر هر هستی. نیروی آفریدگان از او و توانایی بر هر پدیده ویژه اوست. او را همانندی نیست و هموست ایجادگر هر موجود آن هنگام که هیچ چیز وجود نداشت. جاودانه و زنده و عدل گستر. جز او خداوندی نباشد و اوست ارجمند و حکیم.

دیده ها را بر او راهی نیست و اوست دریابنده دیده ها. بر پنهانی ها آگاه و بر کارها دانا است. کسی از دیدن به وصف او نرسد و بر چگونگی او از نهان و آشکار دست نیابد مگر او - عزوجل - خود، راه نماید و بشناساند.

و گواهی می دهم که او «الله» است. همو که قداستش سراسر روزگاران را فراگیر و نورش ابدیت را شامل است. بی مشاور، فرمانش را اجرا، بی شریک تقدیرش را امضا و بی یاور سامان دهی فرماید. صورت آفرینش او را الگویی نبوده و آفریدگان را بدون یاور و رنج و چاره جویی، هستی بخشیده است. جهان با ایجاد او موجود و با آفرینش او پدیدار شده است.

وَأَشْهَدُ أَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِهَيْبَتِهِ. مَلِكُ الْأَمْلاكِ وَ مُفْلِكُ الْأَفْلاكِ وَمُسَخِّرُ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ، كُلُّ يَجْرَى لِأَجَلٍ مُّسَمًّى. يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا. قَاصِمٌ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ وَ مُهْلِكٌ كُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ.

لَمْ يَكُنْ لَهُ ضِدٌّ وَلَا مَعَهُ نِدٌّ أَحَدٌ صَمَدٌ لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ. إِلَهِ وَاحِدٌ وَرَبُّ مَا جَدَّ يَشَاءُ فَيَمُضِي، وَيُرِيدُ فَيَقْضِي، وَيَعْلَمُ فَيُخْصِي، وَيُمِيتُ وَيُحْيِي، وَيُفْقِرُ وَيُعْنِي، وَيُضْحِكُ وَيُبْكِي، (وَيُدْنِي وَيُفْصِي) وَيَمْنَعُ وَيُعْطِي، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، بِيَدِهِ الْخَيْرُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ.

يُؤَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ. مُسْتَجِيبُ الدُّعَاءِ وَمُجْزِلُ الْعَطَاءِ، مُحْصِي الْأَنْفَاسِ وَ رَبُّ الْجَنَّةِ وَالنَّاسِ، الَّذِي لَا يُشْكِلُ عَلَيْهِ شَيْءٌ، وَلَا يَضْجُرُهُ صِرَاحُ الْمُسْتَضْرِخِينَ وَلَا يُبْرِمُهُ إِحْاحُ الْمُلْحِينَ. الْعَاصِمُ لِلصَّالِحِينَ، وَالْمُوفِّقُ لِلْمُفْلِحِينَ، وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ وَرَبُّ الْعَالَمِينَ. الَّذِي اسْتَحَقَّ مِنْ كُلِّ مَنْ خَلَقَ أَنْ يَشْكُرَهُ وَيَحْمَدَهُ (عَلَى كُلِّ حَالٍ).

أَحْمَدُهُ كَثِيرًا وَأَشْكُرُهُ دَائِمًا عَلَى السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالشَّدَّةِ وَالرَّخَاءِ، وَأُؤْمِنُ بِهِ وَبِمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ. أَسْمَعُ لِأَمْرِهِ وَأُطِيعُ وَأَبَادِرُ إِلَى كُلِّ مَا يَرْضَاهُ وَاسْتَسَلِّمُ لِمَاقِضَاهُ، رَغْبَةً فِي طَاعَتِهِ وَخَوْفًا مِنْ عُقُوبَتِهِ، لِأَنَّهُ اللَّهُ الَّذِي لَا يُؤْمَنُ مَكْرُهُ وَلَا يُخَافُ جَوْرُهُ.

پس اوست «الله» که معبودی به جز او نیست. آفرینش او محکم و آفریده ی او زیباست. دادگری است که ستم روا نمی دارد و کریمی که کارها به او بازمی گردد.

و گواهی می دهم که او «الله» است که آفریدگان در برابر بزرگی اش فروتن و در مقابل عزتش رام و به توانایی اش تسلیم و به هیبت و بزرگی اش فروتن اند. پادشاه هستی ها و چرخاننده افلاک و رام کننده آفتاب و ماه که هریک تا اجل معین جریان یابند. او پرده شب را به روز و پرده روز را - که شتابان در پی شب است - به شب پیچد. اوست شکننده هر ستمگر سرکش و نابودکننده هر شیطان رانده شده.

نه او را ضدی باشد و نه برایش نظیر و مانندی. یکتا و بی نیاز، نه زاده و نه زاییده شده، او را همتایی نبوده، خداوند یگانه و پروردگار بزرگوار است. بخواهد و به انجام رساند. اراده کند و حکم نماید. بداند و بشمارد. بمیراند و زنده کند. نیازمند و بی نیاز گرداند. بخنداند و بگریاند. نزدیک آورد و دور برد. بازدارد و عطا کند. او راست پادشاهی و ستایش. به دست توانای اوست تمام نیکی. و هموست بر هر چیز توانا.

شب را در روز و روز را در شب فرو برد. معبودی جز او نیست؛ گران مایه و آمرزنده؛ اجابت کننده دعا و افزاینده عطا، بر شمارنده نفس ها؛ پروردگار پری و انسان. چیزی بر او مشکل ننماید، فریاد فریادکنندگان او را آزرده نکند و اصرار اصرارکنندگان او را به ستوه نیاورد.

نیکوکاران را نگاهدار، رستگاران را یار، مؤمنان را صاحب اختیار و جهانیان را پروردگار است؛ آن که در همه احوال سزاوار سپاس و ستایش آفریدگان است.

او را ستایش فراوان و سپاس جاودانه می گویم بر شادی و رنج و بر آسایش و سختی و به او و فرشتگان و کتاب ها و فرستاده هایش ایمان داشته، فرمان او را گردن می گذارم و اطاعت می کنم؛ و به سوی خشنودی او می شتابم و به حکم او تسلیمم؛ چرا که به فرمانبری او شائق و از کیفر او ترسانم. زیرا او خدایی است که کسی از مکرش در امان نبوده و از بی عدالتیش ترسان نباشد (زیرا او را ستمی نیست).

وَأَقْرَلُهُ عَلَى نَفْسِي بِالْعُبُودِيَّةِ وَأَشْهَدُ لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، وَأُودِي مَا أَوْحَى بِهِ إِلَيَّ حَذَرًا مِنْ أَنْ لَا أَفْعَلَ فَتَحِلَّ بِي مِنْهُ قَارِعَةٌ لَا يَدْفَعُهَا عَنِّي أَحَدٌ وَإِنْ عَظُمَتْ حِيلَتُهُ وَصَفَتْ خُلَّتُهُ - لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ - لِأَنَّهُ قَدْ أَعْلَمَنِي أَنِّي إِنْ لَمْ أَبْلُغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ) فَمَا بَلَّغْتُ رِسَالَتَهُ، وَقَدْ ضَمِنَ لِي تَبَارَكَ وَتَعَالَى الْعِصْمَةَ (مِنَ النَّاسِ) وَهُوَ اللَّهُ الْكَافِي الْكَرِيمُ.

فَأَوْحَى إِلَيَّ: (بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي عَلِيٍّ يَعْنِي فِي الْخِلَافَةِ لِعَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ - وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) ^(١٩).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا قَصَرْتُ فِي تَبْلِيغِ مَا أُنْزِلَ اللَّهُ تَعَالَى إِلَيَّ، وَأَنَا أَتَيْنُ لَكُمْ سَبَبَ هَذِهِ الْآيَةِ: إِنَّ جَبْرِئِيلَ هَبَطَ إِلَيَّ مَرَارًا ثَلَاثًا يَأْمُرُنِي عَنِ السَّلَامِ رَبِّي - وَهُوَ السَّلَامُ - أَنْ أَقُومَ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ فَأُعَلِّمَ كُلَّ أَبْيَضٍ وَأَسْوَدَ: أَنَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّ وَخَلِيفَتِي (عَلَى أُمَّتِي) وَالْإِمَامُ مِنْ بَعْدِي، الَّذِي مَحَلُّهُ مِنِّي مَحَلُّ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي وَهُوَ وَلِيُّكُمْ بَعْدَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ.

وَقَدْ أُنْزِلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيَّ بِذَلِكَ آيَةً مِنْ كِتَابِهِ (هِيَ): (إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ) ^(٢٠)، وَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ الَّذِي أَقَامَ الصَّلَاةَ وَآتَى الزَّكَاةَ وَهُوَ رَاكِعٌ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ حَالٍ. وَسَأَلْتُ جَبْرِئِيلَ أَنْ يَسْتَعْفِيَ لِي (السَّلَامَ) عَنْ تَبْلِيغِ ذَلِكَ إِلَيْكُمْ - أَيُّهَا النَّاسُ - لِعِلْمِي بِقِلَّةِ الْمُتَّقِينَ وَكَثْرَةِ الْمُنَافِقِينَ وَإِدْغَالِ اللَّائِمِينَ وَحِيلِ الْمُسْتَهْزِئِينَ بِالْإِسْلَامِ، الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِأَنَّهُمْ (يَقُولُونَ بِالسِّتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ) ^(٢١)، وَيَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ.

وَكَثَرَةَ أَذَاهُمْ لِي غَيْرَ مَرَّةٍ حَتَّى سَمَوْنِي أَذْنًا وَزَعَمُوا أَنِّي كَذَلِكَ لِكَثْرَةِ مُلَازِمَتِهِ إِيَّايَ وَإِقْبَالِي عَلَيْهِ (وَوَهَاؤُهُ وَقَبُولِهِ مِنِّي) حَتَّى أُنْزِلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي ذَلِكَ (وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ، قُلْ أُذُنٌ - (عَلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ أُذُنٌ) - خَيْرٌ لَكُمْ، يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ) ^(٢٢) الْآيَةِ.

قسمت دوم: فرمان الهی برای مطلبی مهم

و اکنون به عبودیت خویش و پروردگاری او گواهی می دهیم. و وظیفه خود را در آن چه وحی شده انجام می دهیم مبادا که از سوی او عذابی فرود آید که کسی یاری دور ساختن آن از من نباشد. هر چند توانش بسیار و دوستی اش (با من) خالص باشد.

- معبودی جز او نیست - چرا که اعلام فرموده که اگر آن چه (درباره ی علی(ع)) نازل کرده به مردم نرسانم، وظیفه رسالتش را انجام نداده ام؛ و خداوند تبارک و تعالی امنیت از [آزار] مردم را برایم تضمین کرده و البته که او کفایت کننده و بخشنده است.

پس آنگاه خداوند چنین وحی ام فرستاد: «به نام خداوند بخشنده مهربان. ای فرستاده ما! آن چه از سوی پروردگارت (درباره علی و خلافت او) بر تو فرود آمده بر مردم ابلاغ کن، وگرنه رسالت خداوندی را به انجام نرسانده ای؛ و او تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.»

هان مردمان! آنچه بر من فرود آمده، در تبلیغ آن کوتاهی نکرده ام و حال برایتان سبب نزول آیه را بیان می کنم: همانا جبرئیل سه مرتبه بر من فرود آمد از سوی سلام، پروردگارم - که تنها او سلام است - فرمانی آورد که در این مکان به پا خیزم و به هر سفید و سیاهی اعلام کنم که علی بن ابی طالب علیه السلام برادر، وصی و جانشین من در میان امت و امام پس از من بوده. جایگاه او نسبت به من به سان هارون نسبت به موسی است، لیکن پیامبری پس از من نخواهد بود. او (علی(ع))، صاحب اختیارتان پس از خدا و رسول است؛ و پروردگارم آیه ای بر من نازل فرموده که: «همانا ولی، صاحب اختیار و سرپرست شما، خدا و پیامبر او و کسانی از اهل ایمان هستند که نماز به پا می دارند و در حال رکوع زکات می پردازند.» و هر آینه علی بن ابی طالب علیه السلام نماز به پا داشته و در رکوع زکات پرداخته و پیوسته خداخواه است.

و من از جبرئیل درخواستم که از (خداوند) سلام اجازه کند و مرا از این مأموریت معاف فرماید. زیرا کمی پرهیزگاران و فزونی منافقان و دسیسه ملامت گران و مکر مسخره کنندگان اسلام را می دانم؛ همانان که خداوند در کتاب خود در وصفشان فرموده: «به زبان آن را می گویند که در دل هایشان نیست و آن را اندک و آسان می شمارند حال آن که نزد خداوند بس بزرگ است.»

و نیز از آن روی که منافقان بارها مرا آزار رسانیده تا بدانجا که مرا اُذن [سخن شنو و زودباور] نامیده اند، به خاطر همراهی افزون علی(ع) با من و رویکرد من به او و تمایل و پذیرش او از من، تا بدانجا که خداوند در این موضوع آیه ای فرو فرستاده: «و از آنانند کسانی که پیامبر خدا را می آزارند و می گویند: او سخن شنو و زودباور است. بگو: آری سخن شنو است. - بر علیه آنان که گمان می کنند او تنها سخن می شنود - لیکن به خیر شماست، او (پیامبر صلی الله علیه و آله) به خدا ایمان دارد و مؤمنان را تصدیق می کند و راستگو می انگارد.»

وَلَوْ شِئْتُ أَنْ أُسَمِّيَ الْفَائِلِينَ بِذَلِكَ بِأَسْمَائِهِمْ لَسَمَّيْتُ وَأَنْ أُؤَمِّيَ إِلَيْهِمْ بِأَعْيَانِهِمْ
لَأَوْمَأْتُ وَأَنْ أُدَلِّ عَلَيْهِمْ لَدَلْتُ، وَلَكِنِّي وَاللَّهِ فِي أُمُورِهِمْ قَدْ تَكْرَمْتُ. وَكُلُّ ذَلِكَ
لَا يَرْضَى اللَّهُ مِنِّي إِلَّا أَنْ أُبَلِّغَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيَّ (فِي حَقِّ عَلِيٍّ)، ثُمَّ تَلَا: (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ
بَلِّغْ مَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ - فِي حَقِّ عَلِيٍّ - وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ
وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ) (٢٣).

فَاعْلَمُوا مَعَاشِرَ النَّاسِ (ذَلِكَ فِيهِ وَافَهُمُوهُ وَعَلِمُوا) أَنَّ اللَّهَ قَدْ نَصَبَهُ لَكُمْ وَلِيًّا
وَإِمَامًا فَرَضَ طَاعَتَهُ عَلَى الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَ عَلَى التَّابِعِينَ لَهُمْ بِإِحْسَانٍ، وَ
عَلَى الْبَادِي وَالْحَاضِرِ، وَ عَلَى الْعَجَمِيِّ وَالْعَرَبِيِّ، وَالْحُرِّ وَالْمَمْلُوكِ وَالصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ،
وَ عَلَى الْأَبْيَضِ وَالْأَسْوَدِ، وَ عَلَى كُلِّ مُوَحِّدٍ مَاضٍ حُكْمُهُ، جَازٍ قَوْلُهُ، نَافِذُ أَمْرُهُ،
مَلْعُونٌ مَنْ خَالَفَهُ، مَرْحُومٌ مَنْ تَبِعَهُ وَ صَدَّقَهُ، فَقَدْ غَفَرَ اللَّهُ لَهُ وَلِمَنْ سَمِعَ مِنْهُ وَ أَطَاعَ
لَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ آخِرُ مَقَامِ أَقْوَمُهُ فِي هَذَا الْمَشْهَدِ، فَاسْمَعُوا وَ أَطِيعُوا وَانْقَادُوا
لَا مَرِ (اللَّهُ) رَبِّكُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُوَ مَوْلَاكُمْ وَإِلَهُكُمْ، ثُمَّ مِنْ دُونِهِ رَسُولُهُ وَنَبِيُّهُ
الْمُخَاطَبُ لَكُمْ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَلِيُّكُمْ وَ إِمَامُكُمْ بِأَمْرِ اللَّهِ رَبِّكُمْ، ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي
دُرَيْتِي مِنْ وَلَدِهِ إِلَى يَوْمٍ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ.

لَا حَلَالَ إِلَّا مَا أَحَلَّهُ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَهُمْ، وَلَا حَرَامَ إِلَّا مَا حَرَّمَهُ اللَّهُ (عَلَيْكُمْ) وَ
رَسُولُهُ وَهُمْ، وَاللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَرَّفَنِي الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ وَأَنَا أَفْضَيْتُ بِمَا عَلَّمَنِي رَبِّي مِنْ
كِتَابِهِ وَحَلَالِهِ وَ حَرَامِهِ إِلَيْهِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، (عَلَى فَضْلُوهُ). مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ أَحْصَاهُ
اللَّهُ فِيَّ، وَ كُلُّ عِلْمٍ عَلَّمْتُ فَقَدْ أَحْصَيْتُهُ فِي إِمَامِ الْمُتَّقِينَ، وَمَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَقَدْ عَلَّمْتُهُ
عَلِيًّا، وَ هُوَ الْإِمَامُ الْمُبِينُ (الَّذِي ذَكَرَهُ اللَّهُ فِي سُورَةِ يَس: (وَكُلُّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي
إِمَامٍ مُبِينٍ) (٢٤). مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَضَلُّوا عَنْهُ وَلَا تَنْفَرُوا مِنْهُ، وَلَا تَسْتَنْكِفُوا مِنْ وَلَايَتِهِ،
فَهُوَ الَّذِي يَهْدِي إِلَى الْحَقِّ وَيَعْمَلُ بِهِ، وَيُزْهِقُ الْبَاطِلَ وَيَنْهَى عَنْهُ، وَلَا تَأْخُذْهُ فِي اللَّهِ

و اگر می خواستم نام گویندگان چنین سخنی را بر زبان آورم و یا به آنان اشارت کنم و یا مردمان را به سویشان هدایت کنم [که آنان را شناسایی کنند] می توانستم. لیکن سوگند به خدا در کارشان کرامت نموده لب فروبستم. با این حال خداوند از من خشنود نخواهد گشت مگر این که آن چه در حق علی علیه السلام فرو فرستاده به گوش شما برسانم. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله چنین خواند: «ای پیامبر ما! آن چه از سوی پروردگارت بر تو نازل شده - در حق علی علیه السلام - ابلاغ کن؛ وگرنه کار رسالتش را انجام نداده ای. و البته خداوند تو را از آسیب مردمان نگاه می دارد.»

قسمت سوم:

اعلان رسمی ولایت و امامت دوازده امام علیهم السلام

هان مردمان! بدانید این آیه درباره ی اوست. ژرفی آن را فهم کنید و بدانید که خداوند او را برایتان صاحب اختیار و امام قرار داده، پیروی او را بر مهاجران و انصار و آنان که به نیکی از ایشان پیروی می کنند و بر صحرا نشینان و شهروندان و بر عجم و عرب و آزاد و برده و بر کوچک و بزرگ و سفید و سیاه و بر هر یکتاپرست لازم شمرده است. [هشدار که] اجرای فرمان و گفتار او لازم و امرش نافذ است. ناسازگارش رانده، پیرو و باورکننده اش در مهر و شفقت است. هر آینه خداوند، او و شنوایان سخن او و پیروان راهش را آمرزیده است.

هان مردمان! آخرین بار است که در این اجتماع به پا ایستاده ام. پس بشنوید و فرمان حق را گردن گذارید؛ چرا که خداوند عزوجل صاحب اختیار و ولی و معبود شماست و پس از خداوند ولی شما، فرستاده و پیامبر اوست که اکنون در برابر شماست و با شما سخن می گوید. و پس از من به فرمان پروردگار، علی علیه السلام ولی و صاحب اختیار و امام شماست. آن گاه امامت در فرزندان من از نسل علی (ع) خواهد بود. این قانون تا برپایی رستاخیز که خدا و رسول او را دیدار کنید دوام دارد.



روا نیست مگر آن چه خدا و رسول او و امامان روا دانند. و ناروا نیست مگر آن چه آنان ناروا دانند. خداوند عزوجل هم روا و هم ناروا را برای من بیان فرموده و آن چه پروردگارم از کتاب خویش و حلال و حرامش به من آموخته در اختیار علی علیه السلام نهاده ام.

هان مردمان! او را برتر بدانید. چرا که هیچ دانشی نیست مگر این که خداوند آن را در جان من نبشته و من نیز آن را در جان پیشوای پرهیزکاران، علی علیه السلام، ضبط کرده ام. او (علی ع) پیشوای روشننگر است که خداوند او را در سوره ی یاسین یاد کرده که: «و دانش هر چیز را در امام روشن گر برشمرده ایم...»

هان مردمان! از علی (ع) رو برنتابید. و از امامتش نگریزید. و از سرپرستی اش رو برنگردانید. او [شما را] به درستی و راستی خوانده و [خود نیز] بدان عمل نماید. او نادرستی را نابود کند و از آن بازدارد. در راه خدا نکوهش نکوهش

لَوْمَةً لَّائِمٍ. أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ (لَمْ يَسْبِقْهُ إِلَى الْإِيمَانِ بِي أَحَدٌ)، وَالَّذِي قَدَى رَسُولَ اللَّهِ بِنَفْسِهِ، وَالَّذِي كَانَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا أَحَدٌ يَعْبُدُ اللَّهَ مَعَ رَسُولِهِ مِنَ الرِّجَالِ غَيْرُهُ.

(أَوَّلُ النَّاسِ صَلَاةً وَ أَوَّلُ مَنْ عَبَدَ اللَّهَ مَعِيَ. أَمَرْتُهُ عَنِ اللَّهِ أَنْ يَنَامَ فِي مَضْجَعِي، فَفَعَلَ فَادِيًا لِي بِنَفْسِهِ). مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوهُ فَقَدْ فَضَّلَهُ اللَّهُ، وَأَقْبَلُوهُ فَقَدْ نَصَبَهُ اللَّهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ إِمَامٌ مِنَ اللَّهِ، وَلَنْ يَتُوبَ اللَّهُ عَلَى أَحَدٍ أَنْكَرَ وَلَا يَتَهُ وَلَنْ يَغْفِرَ لَهُ، حَتْمًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَفْعَلَ ذَلِكَ بِمَنْ خَالَفَ أَمْرَهُ وَأَنْ يُعَذِّبَهُ عَذَابًا نَكْرًا أَبَدًا الْآبَادِ وَ دَهْرَ الدُّهُورِ. فَاحْذَرُوا أَنْ تُخَالِفُوهُ. فَتَضَلُّوا نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، بِي - وَاللَّهِ - بَشَرًا أَوَّلُونَ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ، وَأَنَا - (وَاللَّهِ) - خَاتَمُ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالْحُجَّةُ عَلَى جَمِيعِ الْمَخْلُوقِينَ مِنْ أَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِينَ. فَمَنْ شَكَّ فِي ذَلِكَ فَقَدْ كَفَرَ كُفْرَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى وَ مَنْ شَكَّ فِي شَيْءٍ مِنْ قَوْلِي هَذَا فَقَدْ شَكَّ فِي كُلِّ مَا أُنْزِلَ إِلَيَّ، وَمَنْ شَكَّ فِي وَاحِدٍ مِنَ الْأُتَمَّةِ فَقَدْ شَكَّ فِي الْكُلِّ مِنْهُمْ، وَالشَّاكُّ فِينَا فِي النَّارِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، حَبَانِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهَذِهِ الْفُضِيلَةِ مَتًّا مِنْهُ عَلَى وَ إِحْسَانًا مِنْهُ إِلَيَّ وَلَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، أَلَا لَهُ الْحَمْدُ مِنْ بَدَأِ الْآدِينَ وَ دَهْرَ الدَّاهِرِينَ وَ عَلَى كُلِّ حَالٍ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَضَّلُوا عَلَيًّا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ النَّاسِ بَعْدِي مِنْ ذَكَرٍ وَ أَنتَنِي مَا أُنْزَلَ اللَّهُ الرِّزْقَ وَ بَقِيَ الْخَلْقُ. مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ، مَعْضُوبٌ مَعْضُوبٌ مَنْ رَدَّ عَلَى قَوْلِي هَذَا وَلَمْ يُوَافِقْهُ. أَلَا إِنَّ جَبْرِئِيلَ خَبَرَنِي عَنِ اللَّهِ تَعَالَى بِذَلِكَ وَيَقُولُ: «مَنْ عَادَى عَلِيًّا وَلَمْ يَتَوَلَّهُ فَعَلَيْهِ لَعْنَتِي وَ غَضَبِي»، (وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَا قَدَّمَتْ لِغَدٍ وَ اتَّقُوا اللَّهَ - أَنْ تُخَالِفُوهُ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا - إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ)^(٢٥). مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ جَنْبُ اللَّهِ

گران او را از کار باز ندارد. او نخستین مؤمن به خدا و رسول اوست و کسی در ایمان، به او سبقت نجسته. و همو جان خود را فدای رسول الله نموده و با او همراه بوده است تنها اوست که همراه رسول خدا عبادت خداوند می کرد و جز او کسی چنین نبود.

اولین نمازگزار و پرستشگر خدا به همراه من است. از سوی خداوند به او فرمان دادم تا [در شب هجرت] در بستر من بیارامد و او نیز فرمان برده، پذیرفت که جان خود را فدای من کند.

هان مردمان! او را برتر دانید؛ که خداوند او را برگزیده و پیشوایی او را بپذیرید؛ که خداوند او را برپا کرده است.

هان مردمان! او از سوی خدا امام است و هرگز خداوند توبه منکر او را نپذیرد و او را نیامرزد. این است روش قطعی خداوند درباره ضد علی علیه السلام و هرآینه او را به عذاب دردناک پایدار کیفر کند. از مخالفت او بهراسید و گرنه در آتشی درخواهید شد که آتش گیره ی آن مردمانند و سنگ، که برای حق ستیزان آماده شده است.

هان مردمان! به خدا سوگند که پیامبران پیشین به ظهورم مژده داده اند و اکنون من فرجام پیامبران و برهان بر آفریدگان آسمانیان و زمینیانم. آن کس که راستی و درستی مرا باور نکند به کفر جاهلی درآمده و تردید در سخنان امروز همسنگ تردید در تمامی محتوای رسالت من است، و شک و ناباوری در امامت یکی از امامان به سان شک و ناباوری در تمامی آنان است. و هرآینه جایگاه ناباوران ما آتش دوزخ خواهد بود.

هان مردمان! خداوند عزوجل از روی منت و احسان خویش این برتری را به من پیشکش کرد و البته که خدایی جز او نیست. آگاه باشید: تمامی ستایش ها در همه روزگاران و در هر حال و مقام ویژه اوست.

هان مردمان! علی علیه السلام را برتر دانید؛ که او برترین مردمان از مرد و زن پس از من است تا آن هنگام که آفریدگان پدیدارند و روزی شان فرود آید. دورِ دورباد از درگاه مهر خداوند و خشم خشم باد بر آن که این گفته را نپذیرد و با من سازگار نباشد!

هان! بدانید جبرئیل از سوی خداوند خبرم داد: هر آن که با علی علیه السلام بستیزد و بر ولایت او گردن نگذارد، نفرین و خشم من بر او باد! البته بایست که هر کس بنگرد که برای فردای رستاخیز خود چه پیش فرستاده. [هان!] تقوا پیشه کنید و از ناسازگاری با علی علیه السلام بپرهیزید؛ مبدا که گام هایتان پس از استواری در لغزد. که خداوند بر کردارتان آگاه است.

الَّذِي ذَكَرَ فِي كِتَابِهِ الْعَزِيزِ، فَقَالَ تَعَالَى (مُخْبِرًا عَمَّنْ يُخَالِفُهُ): (أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتَا عَلَى مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ) (٢٦).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، تَدَبَّرُوا الْقُرْآنَ وَافْهَمُوا آيَاتِهِ وَانْظُرُوا إِلَى مُحْكَمَاتِهِ وَلَا تَتَّبِعُوا مَتَّسَابِهُهُ، فَوَاللَّهِ لَنْ يُبَيِّنَ لَكُمْ زَوَاجِرَهُ وَلَنْ يُوَضِّحَ لَكُمْ تَفْسِيرَهُ إِلَّا الَّذِي أَنَا آخِذٌ بِيَدِهِ وَمُضْعِدُهُ إِلَيَّ وَشَائِلٌ بَعْضُهُ (وَرَافِعُهُ بِيَدَيَّ) وَ مُعْلِمُكُمْ: أَنَّ مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَيٌّ مَوْلَاهُ، وَهُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ أَخِي وَوَصِيِّي، وَ مَوَالَتُهُ مِنْ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْزَلَهَا عَلَيَّ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ عَلِيًّا وَالطَّيِّبِينَ مِنْ وَلَدِي (مِنْ صُلْبِهِ) هُمُ الثَّقَلُ الْأَصْغَرُ، وَالْقُرْآنُ الثَّقَلُ الْأَكْبَرُ، فَكُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا مُنْبِئٌ عَنْ صَاحِبِهِ وَ مُوَافِقٌ لَهُ، لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَى الْحَوْضِ. أَلَا إِنَّهُمْ أُمْنَاءُ اللَّهِ فِي خَلْقِهِ وَ حُكَّامُهُ فِي أَرْضِهِ. أَلَا وَقَدْ أَدَّيْتُ، أَلَا وَقَدْ بَلَّغْتُ، أَلَا وَقَدْ أَسْمَعْتُ، أَلَا وَقَدْ أَوْضَحْتُ، أَلَا وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ وَ أَنَا قُلْتُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا إِنَّهُ لَا «أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ» غَيْرَ أَخِي هَذَا، أَلَا لَا تَحِلُّ إِمْرَةُ الْمُؤْمِنِينَ بَعْدِي لِأَحَدٍ غَيْرِهِ.

(ثُمَّ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى عِضْدِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَفَعَهُ وَ كَانَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْذُ أَوَّلِ مَا صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مِنْبَرَهُ عَلَى دَرَجَةِ دُونَ مَقَاصِدِ مَتِيَامِنًا عَنْ وَجْهِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ كَانَهُمَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ فَرَفَعَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بِيَدِهِ وَ سَبَطَهَا إِلَى السَّمَاءِ وَ شَالَ عَلِيًّا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ حَتَّى صَارَتْ رِجْلُهُ مَعَ رِكْبَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ).

هان مردمان! همانا او هم جوار و همسایه ی خداوند است که در نبشته ی عزیز خود او را یاد کرده و درباره ی ستیزندگان با او فرموده: «تا آن که مبادا کسی در روز رستاخیز بگوید: افسوس که درباره ی هم جوار و همسایه ی خدا کوتاهی کردم...»

هان مردمان! در قرآن اندیشه کنید و ژرفی آیات آن را دریابید و بر محکماش نظر کنید و از متشابهاتش پیروی ننمایید. پس به خدا سوگند که باطن ها و تفسیر آن را آشکار نمی کند مگر همین که دست و بازوی او را گرفته و بالا آورده ام و اعلام می دارم که: هر آن که من سرپرست اویم، این علی علیه السلام سرپرست اوست. و او علی بن ابی طالب علیه السلام است؛ برادر و وصی من که سرپرستی و ولایت او حکمی است از سوی خدا که بر من فرستاده شده است.

هان مردمان! همانا علی علیه السلام و پاکان از فرزندانم از نسل او، یادگار گران سنگ کوچک ترند و قرآن یادگار گران سنگ بزرگ تر. هر یک از این دو از دیگر همراه خود خبر می دهد و با آن سازگار است. آن دو هرگز از هم جدا نخواهند شد تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. هان! بدانید که آنان امانتداران خداوند در میان آفریدگان و حاکمان او در زمین اویند.

هشدار که من وظیفه ی خود را ادا کردم. هشدار که من آن چه بر عهده ام بود ابلاغ کردم و به گوشستان رساندم و روشن نمودم. بدانید که این سخن خدا بود و من از سوی او سخن گفتم. هشدار که هرگز به جز این برادر من کسی نباید امیرالمؤمنین خوانده شود. هشدار که پس از من امارت مؤمنان برای کسی جز او روا نباشد.

(در این هنگام رسول خدا) (ص) بازوی علی (ع) را گرفته او را بالا برد، و این در حالی بود که امیرالمؤمنین (ع) از زمانی که پیامبر (ص) بر منبر برآمد پایین تر از مکان حضرت ایستاده و از جانب راست به سمت رسول خدا (ص) متمایل بود گویی که هر دو در یک مکان ایستاده بودند آنگاه پیامبر (ص) آن حضرت را بلند کرده و دستانش را به سوی آسمان گشود)

ثم قال: «أيها الناس، مَنْ أَوْلَى بِكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ؟ قالوا: الله و رَسُولُهُ. فَقَالَ: أَلَا مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلَى مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَى أَخِي وَ وَصِيِّ وَ وَاَعِي عِلْمِي، وَ خَلِيفَتِي فِي أُمَّتِي عَلَى مَنْ آمَنَ بِي وَعَلَى تَفْسِيرِ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالدَّاعِي إِلَيْهِ وَالْعَامِلُ بِمَا يَرْضَاهُ وَالْمُحَارِبُ لِأَعْدَائِهِ وَالْمُوَالِي عَلَى طَاعَتِهِ وَالنَّاهِي عَنْ مَعْصِيَتِهِ. إِنَّهُ خَلِيفَةُ رَسُولِ اللَّهِ وَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْإِمَامُ الْهَادِي مِنَ اللَّهِ، وَ قَاتِلُ التَّاكُتِينَ وَالْقَاسِطِينَ وَالْمَارِقِينَ بِأَمْرِ اللَّهِ. يَقُولُ اللَّهُ: (مَا يُبَدِّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ) (٢٧). بِأَمْرِكَ يَا رَبِّ أَقُولُ: اللَّهُمَّ وَالِ مَنْ وَالَاهُ وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ (وَانْصُرْ مَنْ نَصَرَهُ وَاخْذُلْ مَنْ خَذَلَهُ) وَالْعَنْ مَنْ أَنْكَرَهُ وَاغْضَبْ عَلَى مَنْ جَحَدَ حَقَّهُ.

اللَّهُمَّ إِنَّكَ أَنْزَلْتَ الْآيَةَ فِي عَلِيٍّ وَلِيَّكَ عِنْدَ تَبْيِينِ ذَلِكَ وَنَصْبِكَ إِيَّاهُ لِهَذَا الْيَوْمِ: (الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) (٢٨)، (وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ) (٢٩). اللَّهُمَّ إِنِّي أَشْهَدُكَ أَنِّي قَدْ بَلَغْتُ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّمَا أَكْمَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ دِينَكُمْ بِإِمَامَتِهِ. فَمَنْ لَمْ يَأْتَمْ بِهِ وَبِمَنْ يَقُومُ مَقَامُهُ مِنْ وَلَدِي مِنْ صُلْبِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَالْعَرْضِ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ (فَأُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) (٣٠) (وَفِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ) (٣١)، لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنْظَرُونَ) (٣٢).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، هَذَا عَلَيَّ، أَنْصَرُكُمْ لِي وَأَحَقُّكُمْ بِي وَأَقْرَبُكُمْ إِلَيَّ وَأَعَزُّكُمْ عَلَيَّ،

قسمت چهارم: معرفی علی ابن ابیطالب (ع)

سپس فرمود: مردمان! کیست سزاوارتر از شما به شما؟ گفتند خداوند و پیامبر او! سپس فرمود آگاه باشید آن که من سرپرست اویم پس این علی علیه السلام سرپرست اوست! خداوندا دوست بدار آن را که سرپرستی او را بپذیرد و دشمن بدار هر آن که او را دشمن دارد و یاری کن یار او را و تنها گذار آن را که او را تنها بگذارد.

هان مردمان! این علی علیه السلام است برادر و وصی و نگاهبان دانش من. و هموست جانشین من در میان امت و بر گروندگان به من و بر تفسیر کتاب خدا که مردمان را به سوی او بخواند و به آن چه موجب خشنودی اوست عمل کند و با دشمنانش ستیز نماید. او پشتیبان فرمانبرداری خداوند و بازدارنده از نافرمانی او باشد. همانا اوست جانشین رسول الله و فرمانروای ایمانیان و پیشوای هدایتگر از سوی خدا و کسی که به فرمان خدا با پیمان شکنان، رویگردانان از راستی و درستی و به دررفتگان از دین پیکار کند. خداوند فرماید: «فرمان من دگرگون نخواهد شد.»

پروردگارا! اکنون به فرمان تو چنین می گویم: خداوندا! دوستداران او را دوست دار. و دشمنان او را دشمن دار. پشتیبانان او را پشتیبانی کن. یارانش را یاری نما. خودداری کنندگان از یاری اش را به خود رها کن. ناباورانش را از مهرت بران و بر آنان خشم خود را فرود آور.

معبودا! تو خود در هنگام برپاداشتن او و بیان ولایتش نازل فرمودی که: «امروز آیین شما را به کمال، و نعمت خود را بر شما به اتمام رساندم، و اسلام را به عنوان دین شما پسندیدم.» «و آن که به جز اسلام دینی را بجوید، از او پذیرفته نبوده، در جهان دیگر در شمار زیانکاران خواهد بود.» خداوندا، تو را گواه می گیرم که پیام تو را به مردمان رساندم.

قسمت پنجم: اهمیت مسئله امامت

هان مردمان! خداوند عزوجل دین را با امامت علی علیه السلام تکمیل فرمود. اینک آنان که از او و جانشینانش از فرزندان من و از نسل او - تا برپایی رستاخیز و عرضه ی بر خدا - پیروی نکنند، در دو جهان کرده هایشان بیهوده بوده در آتش دوزخ ابدی خواهند بود، به گونه ای که نه از عذابشان کاسته و نه برایشان فرصتی خواهد بود.

هان مردمان! این علی یاورترین، سزاوارترین و نزدیک ترین و عزیزترین شما نسبت به من است. خداوند عزوجل و من از او خشنودیم. آیه رضایتی در قرآن

وَاللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ وَأَنَاعَتُهُ رَاضِيَانِ. وَ مَا نَزَلَتْ آيَةٌ رِضًا (فِي الْقُرْآنِ) إِلَّا فِيهِ، وَلَا خَاطَبَ
اللّٰهُ الَّذِينَ آمَنُوا إِلَّا بَدَأَ بِهِ، وَلَا نَزَلَتْ آيَةٌ مَّدْحٍ فِي الْقُرْآنِ إِلَّا فِيهِ، وَلَا شَهِدَ اللّٰهُ بِالْجَنَّةِ
فِي (هَلْ أَتَى عَلَى الْإِنْسَانِ) إِلَّا لَهُ، وَلَا أَنْزَلَهَا فِي سِوَاهُ وَلَا مَدَحَ بِهَا غَيْرُهُ.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، هُوَ نَاصِرُ دِينِ اللّٰهِ وَالْمُجَادِلُ عَنْ رَسُولِ اللّٰهِ، وَهُوَ التَّقِيُّ النَّقِيُّ الْهَادِي
الْمُهْدِي. نَبِيُّكُمْ خَيْرُ نَبِيٍّ وَ وَصِيُّكُمْ خَيْرُ وَصِيٍّ (وَبُنُوهُ خَيْرُ الْأَوْصِيَاءِ). مَعَاشِرِ النَّاسِ،
ذُرِّيَّةُ كُلِّ نَبِيٍّ مِنْ صُلْبِهِ، وَ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِ (أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ) عَلِيٍّ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّ
إِبْلِيسَ أَخْرَجَ آدَمَ مِنَ الْجَنَّةِ بِالْحَسَدِ، فَلَا تَحْسُدُوهُ فَتَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَتَزِلَّ أَقْدَامُكُمْ،
فَإِنَّ آدَمَ أُهْبِطَ إِلَى الْأَرْضِ بِخَطِيئَةٍ وَاحِدَةٍ، وَهُوَ صَفْوَةُ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ، وَكَيْفَ بِكُمْ
وَأَنْتُمْ أَنْتُمْ وَمِنْكُمْ أَعْدَاءُ اللّٰهِ، أَلَا إِنَّهُ لَا يُبْعِضُ عَلِيًّا إِلَّا شَقِيًّا، وَلَا يُوَالِي عَلِيًّا إِلَّا تَقِيًّا،
وَلَا يُؤْمِنُ بِهِ إِلَّا مُؤْمِنٌ مُّخْلِصٌ.

وَ فِي عَلِيٍّ - وَاللّٰهُ - نَزَلَتْ سُورَةُ الْعَصْرِ: (بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ، وَالْعَصْرِ، إِنَّ
الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ) (إِلَّا عَلِيًّا الَّذِي آمَنَ وَ رَضِيَ بِالْحَقِّ وَالصَّبْرِ). مَعَاشِرِ النَّاسِ، قَدْ
اسْتَشْهَدْتُ اللّٰهُ وَبَلَّغْتُكُمْ رِسَالَتِي وَ مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ. مَعَاشِرِ النَّاسِ،
(إِتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ) (٣٣).

مَعَاشِرِ النَّاسِ، (آمِنُوا بِاللّٰهِ وَ رَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلَ مَعَهُ) (٣٤) مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمَسَ
وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَى أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ) (٣٥). (بِاللّٰهِ مَا
عَنِي بِهِذِهِ الْآيَةِ إِلَّا قَوْمًا مِنْ أَصْحَابِي أَعْرِفُهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ وَأَنْسَابِهِمْ، وَقَدْ أُمِرْتُ
بِالصَّفْحِ عَنْهُمْ فَلْيَعْمَلْ كُلُّ امْرِئٍ عَلَى مَا يَجِدُ لِعَلِّي فِي قَلْبِهِ مِنَ الْحُبِّ وَالْبُغْضِ).
مَعَاشِرِ النَّاسِ، النُّورُ مِنَ اللّٰهِ عَزَّوَجَلَّ مَسْلُوكٌ فِيَّ ثُمَّ فِيَّ عَلِيٌّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ، ثُمَّ
فِي النَّسْلِ مِنْهُ إِلَى الْقَائِمِ الْمُهْدِيِّ الَّذِي يَأْخُذُ بِحَقِّ اللّٰهِ وَ بِكُلِّ حَقٍّ هُوَ لَنَا، لِأَنَّ
اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ قَدْ جَعَلَنَا حُجَّةً عَلَى الْمُقْصِرِينَ وَالْمُعَانِدِينَ وَالْمُخَالِفِينَ وَالْخَائِنِينَ
وَالْآثِمِينَ وَالظَّالِمِينَ وَالْعَاصِيِينَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ.

نیست مگر این که درباره ی اوست. و خدا هرگاه ایمان آوردگان را خطایی نموده به او آغاز کرده [و او اولین شخص مورد نظر خدای متعال بوده است]. و آیه ی ستایشی نازل نگشته مگر درباره ی او. و خداوند در سوره ی «هل أتى على الإنسان» گواهی بر بهشت [رفتن] نداده مگر برای او، و آن را در حق غیر او نازل نکرده و به آن جز او را نستوده است.

هان مردمان! او یاور دین خدا و دفاع کننده ی از رسول اوست. او پرهیزکار پاکیزه و راهنمای ارشاد شده [به دست خود خدا] است. پیامبرتان برترین پیامبر، وصی او برترین وصی و فرزندان او برترین اوصیایند.

هان مردمان! فرزندان هر پیامبر از نسل اویند و فرزندان من از صلب و نسل امیرالمؤمنین علی علیه السلام است.

هان مردمان! به راستی که شیطان اغواگر، آدم را با رشک از بهشت رانده مبادا شما به علی رشک ورزید که کرده هایتان نابود و گام هایتان لغزان خواهد شد. آدم به خاطر یک اشتباه به زمین هبوط کرد و حال آن که برگزیده ی خدای عزوجل بود. پس چگونه خواهید بود شما و حال آن که شما شما یید و دشمنان خدا نیز از میان شما یید.

آگاه باشید! که با علی نمی ستیزد مگر بی سعادت. و سرپرستی او را نمی پذیرد مگر رستگار پرهیزگار. و به او نمی گروید مگر ایمان دار بی آلایش.

و سوگند به خدا که سوره ی والعصر درباره ی اوست: «به نام خداوند بخشنده مهربان. قسم به زمان که انسان در زیان است.» مگر علی که ایمان آورده و به درستی و شکیبایی آراسته است.

هان مردمان! خدا را گواه گرفته ام و پیام او را به شما رسانیدم. و بر فرستاده و وظیفه ای جز بیان و ابلاغ روشن نباشد!

هان مردمان! تقوا پیشه کنید همان گونه که بایسته است. و نمیرید جز با اسلام

قسمت ششم: خطر انحراف و کارشکنی

هان مردمان! «به خدا و رسول و نور همراهش ایمان آورید پیش از آن که چهره ها را تباه و وارونه کنیم یا چونان اصحاب روز شنبه [یهودیانی که بر خدا نیرنگ آوردند] رانده شوید.» به خدا سوگند که مقصود خداوند از این آیه گروهی از صحابه اند که آنان را با نام و نسب می شناسم لیکن به پرده پوشی کارشان مأورم. آنک هر کس پایه کار خویش را مهر و یا خشم علی علیه السلام در دل قرار دهد [و بداند که ارزش عمل او وابسته به آن است].

مردمان! نور از سوی خداوند عزوجل در جان من، سپس در جان علی بن ابی طالب، آن گاه در نسل او تا قائم مهدی - که حق خدا و ما را می ستاند - جای گرفته. چرا که خداوند عزوجل ما را بر کوتاهی کنندگان، ستیزه گران، ناسازگاران، خائنان و گنهکاران و ستمکاران و غاصبان از تمامی جهانیان دلیل و راهنما و حجت آورده است.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنْذَرَكُمْ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِي الرُّسُلُ، أَفَإِنْ مِتُّ أَوْ قُتِلْتُ (ا)نْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ؟ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ هَانَ يَضُرَّ اللَّهُ شَيْئاً وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ (الصَّابِرِينَ) (٣٦). أَلَا وَإِنَّ عَلِيّاً هُوَ الْمَوْصُوفُ بِالصَّبْرِ وَالشُّكْرِ، ثُمَّ مِنْ بَعْدِهِ وَوُلْدِي مِنْ صُلْبِهِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، لَا تَمُنُّوا عَلَيَّ بِإِسْلَامِكُمْ، بَلْ لَا تَمُنُّوا عَلَى اللَّهِ فَيَحْبِطَ عَمَلُكُمْ وَيَسْخَطَ عَلَيْكُمْ وَيَبْتَلِيَكُمْ بِشَوَاطِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ، إِنْ رَبُّكُمْ لِبِالْمِرْصَادِ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ سَيَكُونُ مِنْ بَعْدِي أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنْصَرُونَ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ وَأَنَا بَرِئَانِ مِنْهُمْ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُمْ وَأَنْصَارُهُمْ وَأَتْبَاعُهُمْ وَأَشْيَاعُهُمْ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَبِئْسَ مَنُوءَى الْمُتَكَبِّرِينَ. أَلَا إِنَّهُمْ أَصْحَابُ الصَّحِيفَةِ، فَلْيَنْظُرْ أَحَدُكُمْ فِي صَحِيفَتِهِ!! مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنِّي أَدْعُهَا إِمَامَةً وَوَرَاثَةً (فِي عَقْبِي إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ)، وَقَدْ بَلَغْتُ مَا أُمِرْتُ بِتَبْلِيغِهِ. هَانَ حُجَّةٌ عَلَى كُلِّ حَاضِرٍ وَغَائِبٍ وَ عَلَى كُلِّ أَحَدٍ مِمَّنْ شَهِدَ أَوْ لَمْ يَشْهَدْ، وَلِدٌ أَوْ لَمْ يُولَدْ، فَلْيَبْلُغْ الْحَاضِرُ الْغَائِبَ وَالْوَالِدُ الْوَلَدَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ. وَسَيَجْعَلُونَ الْإِمَامَةَ بَعْدِي مُلْكاً وَ اغْتِصَاباً، (أَلَا لَعَنَ اللَّهُ الْغَاصِبِينَ الْمُغْتَصِبِينَ)، وَعِنْدَهَا سَيَفْرُغُ لَكُمْ أَيُّهَا التَّقْلَانِ (٣٧) (مَنْ يَفْرُغُ) «وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمَا شَوَاطِ مِنْ نَارٍ وَنُحَاسٍ فَلَا تَنْتَصِرَانِ» (٣٨).

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ لَمْ يَكُنْ لِيَذَرَكُمْ عَلَى مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ «حَتَّى يَمِيزَ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ، وَ مَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى الْغَيْبِ» (٣٩). مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّهُ مَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَاللَّهُ مُهْلِكُهَا بِتَكْذِيبِهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَ مُمْلِكُهَا الْإِمَامَ الْمَهْدِيَّ وَاللَّهُ مُصَدِّقٌ وَعَدَهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، قَدْ ضَلَّ قَبْلَكُمْ أَكْثَرُ الْأَوَّلِينَ، وَاللَّهُ لَقَدْ أَهْلَكَ الْأَوَّلِينَ، وَهُوَ مُهْلِكُ الْآخِرِينَ.

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: (أَلَمْ نُهْلِكِ الْأَوَّلِينَ، ثُمَّ نُنَبِّهِهُمْ الْآخِرِينَ، كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ، وَيَلُومُ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ) (٤٠). مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَرَنِي وَهَانِي، وَقَدْ أَمَرْتُ عَلِيّاً وَنَهَيْتُهُ (بِأَمْرِهِ). فَعَلِمُ الْأَمْرَ وَالنَّهْيَ لَدَيْهِ، فَاسْمَعُوا لِأَمْرِهِ تَسْلَمُوا، وَأَطِيعُوهُ تَهْتَدُوا، وَأَنْتَهُوا لِنَهْيِهِ تَرْتُدُّوا، (وَصِيرُوا إِلَى مُرَادِهِ) وَلَا تَتَفَرَّقْ بِكُمْ السَّبِيلُ عَنْ سَبِيلِهِ.

هان مردمان! هشدارتان می دهم: همانا من رسول خدایم. پیش از من نیز رسولانی آمده و سپری گشته اند. آیا اگر من بمیرم یا کشته شوم، به جاهلیت عقب گرد می کنید؟ آن که به قهقرا برگردد، هرگز خدا را زبانی نخواهد رسانید و خداوند سپاسگزاران شکیباجر را پاداش خواهد داد. بدانید که علی علیه السلام و پس از او فرزندان من از نسل او، دارای کمال شکیبایی و سپاسگزاری اند.

هان مردمان! اسلامتان را بر من منت نگذارید؛ که اعمال شما را بیهوده و تباه خواهد کرد و خداوند بر شما خشم خواهد گرفت و سپس شما را به شعله ای از آتش و مس گذاخته گرفتار خواهد نمود. همانا پروردگار شما در کمین گاه است.

مردمان! به زودی پس از من پیشوایانی خواهند بود که شما را به سوی آتش می خوانند و در روز رستاخیز تنها وبدون یاور خواهند ماند.

هان مردمان! خداوند و من از آنان بیزاریم.

هان مردمان! آنان و یاران و پیروانشان در بدترین جای جهنم، جایگاه متکبران خواهند بود. بدانید آنان اصحاب صحیفه اند. اکنون هر کس در صحیفه ی خود نظر کند.

هان مردمان! اینک جانشینی خود را به عنوان امامت و وراثت به امانت به جای می گذارم در نسل خود تا برپایی روز رستاخیز. و حال، مأموریت تبلیغی خود را انجام می دهم تا برهان بر هر شاهد و غایب و بر آنان که زاده شده یا نشده اند و بر تمامی مردمان باشد. پس بایسته است این سخن را حاضران به غایبان و پدران به فرزندان تا برپایی رستاخیز برسانند. آگاه باشید! به زودی پس از من امامت را با پادشاهی جابه جا نموده. آن را غضب کرده و به تصرف خویش درآورند.

هان! نفرین و خشم خدا بر غاصبان و چپاول گران! و البته در آن هنگام خداوند آتش عذاب - شعله های آتش و مس گذاخته - بر سر شما جن و انس خواهد ریخت. آن جاست که دیگر یاری نخواهید شد.

هان مردمان! هر آینه خداوند عزوجل شما را به حالتان رها نخواهد کرد تا ناپاک را از پاک جدا کند. و خداوند نمی خواهد شما را بر غیب آگاه گرداند. هان مردمان! هیچ سرزمینی نیست مگر این که خداوند به خاطر تکذیب اهل آن [حق را]، آنان را پیش از روز رستاخیز نابود خواهد فرمود و به امام مهدی (عج) خواهد سپرد. و هر آینه خداوند وعده ی خود را انجام خواهد داد. هان مردمان! پیش از شما، شمار فزونی از گذشتگان گمراه شدند و خداوند آنان را نابود کرد. و همو نابودکننده ی آیندگان است.

او خود در کتابش آورده: «آیا پیشینیان را تباه نکردیم و به دنبال آنان آیندگان را گرفتار نساختم؟ با مجرمان این چنین کنیم. وای بر ناباوران!»

هان مردمان! همانا خداوند امر و نهی خود را به من فرموده و من نیز به دستور او دانش آن را نزد علی علیه السلام نهادم. پس فرمان او را بشنوید و گردن نهید و پیرویش نمایید و از آنچه بازتان دارد خودداری کنید تا راه یابید. به سوی هدف او حرکت کنید. راههای گونه گونه شما را از راه او باز ندارد!

مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَنَا صِرَاطُ اللَّهِ الْمُسْتَقِيمِ الَّذِي أَمَرَكُمْ بِاتِّبَاعِهِ، ثُمَّ عَلَيَّ مِنْ بَعْدِي. ثُمَّ
وُلِدَى مِنْ صُلْبِهِ أَيْمَةُ (الْهُدَى)، يَهْدُونَ إِلَى الْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ.
ثُمَّ قَرَأَ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ...»^(٤١) إِلَى آخِرِهَا،

وَقَالَ: فِي نَزَلَتْ وَفِيهِمْ (وَاللَّهُ) نَزَلَتْ، وَلَهُمْ عَمَتْ وَإِيَّاهُمْ خَصَّتْ، أَوْلَيْكَ أَوْلِيَاءُ اللَّهِ
الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ^(٤٢)، أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ. أَلَا إِنَّ
أَعْدَائَهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ الْغَاوُونَ إِخْوَانُ الشَّيَاطِينِ يُوْحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرُفَ
الْقَوْلِ غُرُورًا. أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ ذَكَرَهُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ، فَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: (لَا تَجِدُ قَوْمًا
يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ
أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ عَشِيرَتَهُمْ، أَوْلَيْكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ)^(٤٣) إِلَى آخِرِ الْآيَةِ.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ وَصَفَهُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فَقَالَ: (الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ
يَلْبِسُوا إِيمَانَهُمْ بِظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمُ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ)^(٤٤). (أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ
آمَنُوا وَلَمْ يَرْتَابُوا). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ الَّذِينَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِسَلَامٍ آمِنِينَ^(٤٥)، تَتَلَقَّاهُمُ
الْمَلَائِكَةُ بِالتَّسْلِيمِ يَقُولُونَ: «سَلَامٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ»^(٤٦). أَلَا إِنَّ
أَوْلِيَاءَهُمْ، لَهُمُ الْجَنَّةُ يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ^(٤٧). أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَصِلُونَ
سَعِيرًا^(٤٨). أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ لِحَظْمٍ شَهِيقًا وَ هِيَ تَفُورُ وَ يَرَوْنَ
لَهَا زَفِيرًا^(٤٩). أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ فِيهِمْ: (كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعْنَتْ أُخْتَهَا)^(٥٠)
الْآيَةِ. أَلَا إِنَّ أَعْدَائَهُمُ الَّذِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (كُلَّمَا أَتَى فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ خَزَنَتُهَا
أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ، قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ
إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ) إِلَى قَوْلِهِ: (أَلَا فَسْحَقًا لَأَصْحَابِ السَّعِيرِ)^(٥١). أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَهُمُ
«الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ، لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ»^(٥٢).

قسمت هفتم: معرفی دوستان و دشمنان

هان مردمان! صراط مستقیم خداوند منم که شما را به پیروی آن امر فرموده. و پس از من علی علیه السلام است و آن گاه فرزندانم از نسل او، پیشوایان راه راستند که به درستی و راستی راهنمایند و به آن حکم و دعوت کنند. سپس پیامبر صلی الله علیه و آله قرائت فرمود: «بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين الرحمن الرحيم» - تا آخر سوره.

هان! به خدا سوگند این سوره درباره ی من نازل شده و شامل امامان می باشد و به آنان اختصاص دارد. آنان اولیای خدایند که ترس و اندوهی برایشان نیست، آگاه باشید: البته حزب خدا چیره و غالب خواهد بود. هشدار که: ستیزندگان با امامان، گمراه و همکاران شیاطین اند. برای گمراهی مردمان، سخنان بیهوده و پوچ را به یکدیگر می رسانند. بدانید که خداوند از دوستان امامان در کتاب خود چنین یاد کرده: «[ای پیامبر ما] نمی یابی ایمانیان به خدا و روز بازپسین، که ستیزه گران خدا و رسول را دوست ندارند، گرچه آنان پدران، برادران و خویشانانشان باشند. آنان [که چنین اند] خداوند ایمان را در دل هایشان نبشته است.» - تا آخر آیه.

هان! دوستداران امامان مؤمنانی اند که قرآن چنان توصیف فرموده: «آنان که ایمان آورده و باور خود را به شرک نیالوده اند، در امان و در راه راست هستند.» هشدار! یاران پیشوایان کسانی هستند که به باور رسیده و از تردید و انکار دور خواهند بود. هشدار! اولیای امامان آنانند که با آرامش و سلام به بهشت درخواهند شد و فرشتگان با سلام آنان را پذیرفته، خواهند گفت: «درو بر شما که پاک شده اید. اینک داخل شوید که در بهشت، جاودانه خواهید بود.» هان! بهشت پاداش اولیای آنان است و در آن بی حساب روزی داده خواهند شد. هان! دشمنان آنان آن کسانی اند که در آتش درآیند. و همانا ناله ی افروزش جهنم را می شنوند در حالی که شعله های آتش زبانه می کشد و زفیر (صدای بازدم) جهنم را نیز درمی یابند.

هان! خداوند درباره ی ستیزگران با آنان فرموده: «هرگاه امتی داخل جهنم شود همتای خود را نفرین کند.» هشدار! که دشمنان امامان همانانند که خداوند درباره ی آنان فرموده: «هر گروهی از آنان داخل جهنم شود نگاهبانان می پرسند: مگر برایتان ترساننده ای نیامد؟! می گویند: چرا ترساننده آمد لیکن تکذیب کردیم و گفتیم: خداوند وحی نفرستاده و شما نیستید مگر در گمراهی بزرگ!» تا آن جا که فرماید: «هان! نابود باد دوزخیان!»

هان! یاران امامان در نهان، از پروردگار خویش ترسانند، آمرزش و پاداش بزرگ برای آنان خواهد بود.

هان مردمان! چه بسیارراه است میان آتش و پاداش بزرگ! هان مردمان! خداوند ستیزه جویان ما را ناستوده و نفرین فرموده و دوستان ما را ستوده و دوست دارد.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، شَتَّانَ مَا بَيْنَ السَّعِيرِ وَالْأَجْرِ الْكَبِيرِ. (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، عَدُوْنَا مَنْ ذَمَّهُ
 اللَّهُ وَلَعَنَهُ، وَوَلَّيْنَا (كُلَّ) مَنْ مَدَحَهُ اللَّهُ وَ أَحَبَّهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي (أَنَا) النَّذِيرُ وَ
 عَلِيُّ الْبَشِيرُ. (مَعَاشِرَ النَّاسِ)، وَ إِنِّي مُنْذِرٌ وَ عَلِيُّ هَادٍ^(٥٣). مَعَاشِرَ النَّاسِ وَ إِنِّي نَبِيٌّ
 وَ عَلِيُّ وَصِيٌّ. (مَعَاشِرَ النَّاسِ، أَلَا وَإِنِّي رَسُولٌ وَ عَلِيُّ الْإِمَامُ وَالْوَصِيُّ مِنْ بَعْدِي،
 وَالْأَئِمَّةُ مِنْ بَعْدِهِ وَلُدَّهُ. أَلَا وَإِنِّي وَالِدُهُمْ وَهُمْ يَخْرُجُونَ مِنْ صُلْبِهِ).

أَلَا إِن خَاتَمَ الْأَئِمَّةِ مِنَّا الْقَائِمُ الْمَهْدِيُّ. أَلَا إِنَّهُ الظَّاهِرُ عَلَى الدِّينِ. أَلَا إِنَّهُ الْمُنتَقِمُ
 مِنَ الظَّالِمِينَ. أَلَا إِنَّهُ فَاتِحُ الْحُصُونِ وَهَادِمُهَا. أَلَا إِنَّهُ غَالِبُ كُلِّ قَبِيلَةٍ مِنْ أَهْلِ
 الشَّرْكِ وَهَادِيهَا. أَلَا إِنَّهُ الْمُدْرِكُ بِكُلِّ نَارٍ لِأَوْلِيَاءِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ النَّاصِرُ لِدِينِ اللَّهِ. أَلَا إِنَّهُ
 الْعَرَّافُ مِنْ بَحْرِ عَمِيقٍ. أَلَا إِنَّهُ يَسْمُ كُلَّ ذِي فَضْلٍ بِفَضْلِهِ وَ كُلَّ ذِي جَهْلٍ بِجَهْلِهِ.
 أَلَا إِنَّهُ خَيْرُ اللَّهِ وَ مُخْتَارُهُ. أَلَا إِنَّهُ وَارِثُ كُلِّ عِلْمٍ وَ الْمُحِيطُ بِكُلِّ فَهْمٍ. أَلَا إِنَّهُ الْمُخْبِرُ
 عَنْ رَبِّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ الْمَشِيدُ لِأَمْرِ آيَاتِهِ. أَلَا إِنَّهُ الرَّشِيدُ السَّدِيدُ. أَلَا إِنَّهُ الْمُفَوَّضُ إِلَيْهِ.
 أَلَا إِنَّهُ قَدْ بَشَّرَ بِهِ مَنْ سَلَفَ مِنَ الْقُرُونِ بَيْنَ يَدَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ الْبَاقِي حُجَّةً وَ لَا حُجَّةَ بَعْدَهُ
 وَ لَا حَقَّ إِلَّا مَعَهُ وَ لَا نُورَ إِلَّا عِنْدَهُ. أَلَا إِنَّهُ لَا غَالِبَ لَهُ وَ لَا مَنْصُورَ عَلَيْهِ. أَلَا إِنَّهُ وَلِيُّ
 اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ حَكَمُهُ فِي خَلْقِهِ، وَ أَمِينُهُ فِي سِرِّهِ وَ عَلَانِيَتِهِ.

هان مردمان! بدانید که همانا من انذار گرم و علی علیه السلام مژده دهنده.

هان! که من بیم دهنده ام و علی علیه السلام راهنما.
هان مردمان! بدانید که من پیامبرم و علی علیه السلام وصی من است.
هان مردمان! بدانید که همانا من فرستاده و علی علیه السلام امام و وصی پس از من است. و امامان پس از او فرزندان اویند.
آگاه باشید! من والد آنانم ولی ایشان از نسل علی علیه السلام خواهند بود.

قسمت هشتم: معرفی حضرت مهدی (عج)

آگاه باشید! همانا آخرین امام، قائم مهدی (عج) از ماست. هان! او بر تمامی ادیان چیره خواهد بود.

هشدار! که اوست انتقام گیرنده از ستمکاران.
هشدار! که اوست فاتح دژها و منهدم کننده ی آنها.
هشدار! که اوست چیره بر تمامی قبایل مشرکان و راهنمای آنان.
هشدار! که او خونخواه تمام اولیای خداست.
آگاه باشید! اوست یاور دین خدا.
هشدار! که از دریایی ژرف پیمانه هایی افزون گیرد.
هشدار! که او به هر ارزشمندی به اندازه ی ارزش او، و به هر نادان و بی ارزشی به اندازه ی نادانی اش نیکی کند.
هشدار! که او نیکو و برگزیده ی خداوند است.
هشدار! که او وارث دانش ها و حاکم بر ادراک هاست.
هان! بدانید که او از سوی پروردگارش سخن می گوید و آیات و نشانه های او را برپا کند. بدانید همانا اوست بالیده و استوار.
بیدار باشید! هموست که [اختیار امور جهانیان و آیین آنان] به او واگذار شده است.

آگاه باشید! که تمامی گذشتگان ظهور او را پیشگویی کرده اند.
آگاه باشید! که اوست حجت پایدار و پس از او حجتی نخواهد بود.^(۱) درستی و راستی و نور و روشنایی تنها نزد اوست.
هان! کسی بر او پیروز نخواهد شد و در ستیز با او، یاری نخواهد گشت.
آگاه باشید که او ولی خدا در زمین، داور او در میان مردم و امانتدار امور آشکار و نهان است.

(۱) این تعبیر به عنوان محبت و امامت است و نظری به رجعت دیگر امامان ندارد زیرا آنان محبت های پیشین

اند که دوباره رجعت فوهند نمود.

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنِّي قَدِ بَيَّنْتُ لَكُمْ وَأَفْهَمْتُكُمْ، وَهَذَا عَلَيَّ يُفْهِمُكُمْ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي عِنْدَ انْقِضَاءِ خُطْبَتِي أَدْعُوكُمْ إِلَى مُصَافَقَتِي عَلَى بَيْعَتِهِ وَالإِقْرَارِيهِ، ثُمَّ مُصَافَقَتِهِ بَعْدِي. أَلَا وَإِنِّي قَدْ بَايَعْتُ اللَّهَ وَ عَلَيَّ قَدْ بَايَعَنِي. وَأَنَا آخِذُكُمْ بِالْبَيْعَةِ لَهُ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ. (إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ، يَدُ اللَّهِ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ. فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ، وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَمُيْتًا لَهُ أَجْرًا عَظِيمًا) (٥٤).

مَعَاشِرِ النَّاسِ، إِنَّ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ مِنْ شَعَائِرِ اللَّهِ، (فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا) (٥٥) الْآيَةِ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ، فَمَا وَرَدَهُ أَهْلُ بَيْتٍ إِلَّا اسْتَغْنَوْا وَأُبْشِرُوا، وَلَا تَخْلَفُوا عَنْهُ إِلَّا بَتَرُوا وَافْتَقَرُوا. مَعَاشِرِ النَّاسِ، مَا وَقَفَ بِالْمَوْقِفِ مُؤْمِنٌ إِلَّا غَفَرَ اللَّهُ لَهُ مَا سَلَفَ مِنْ ذَنْبِهِ إِلَى وَقْتِهِ ذَلِكَ، فَإِذَا انْقَضَتْ حَجَّتُهُ اسْتَأْنَفَ عَمَلَهُ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، الْحُجَّاجُ مُعَانُونَ وَنَفَقَاتُهُمْ مُخَلَّفَةٌ عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، حُجُّوا الْبَيْتَ بِكَمَالِ الدِّينِ وَالتَّقْوَى، وَلَا تَنْصَرِفُوا عَنِ الْمَشَاهِدِ إِلَّا بِتَوْبَةٍ وَإِقْلَاعٍ. مَعَاشِرِ النَّاسِ، أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ كَمَا أَمَرَكُمُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، فَإِنْ طَالَ عَلَيْكُمُ الْأَمَدُ فَقَصِّرْتُمْ أَوْ نَسِيتُمْ فَعَلَيَّ وَلِيْكُمْ وَمُبَيِّنٌ لَكُمْ، الَّذِي نَصَبَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لَكُمْ بَعْدِي أَمِينٌ خَلَقَهُ. إِنَّهُ مِنِّي وَأَنَا مِنْهُ، وَهُوَ وَمَنْ تَخْلَفُ مِنْ دُرَيْتِي يُخْبِرُونَكُمْ بِمَا تَسْأَلُونَ عَنْهُ وَيُبَيِّنُونَ لَكُمْ مَا لَا تَعْلَمُونَ.

قسمت نهم: طرح مسئله بیعت

هان مردمان! من پیام خدا را برایتان آشکار کرده تفهیم نمودم. و این علی علیه السلام است که پس از من شما را آگاه می کند. اینک شما را می خوانم که پس از پایان خطبه با من و سپس با علی دست دهید تا با او بیعت کرده به امامت او اقرار نمایید. آگاه باشید من با خداوند و علی علیه السلام با من پیمان بسته و من اکنون از سوی خدای عزوجل برای امامت او پیمان می گیرم. «ای پیامبر [آنان که با تو بیعت کنند هر آینه با خدا بیعت کرده اند. دست خدا بالای داستان آنان است. و هر کس بیعت شکند، بر زیان خود شکسته، و آن کس که بر پیمان خداوند استوار و باوفا باشد، خداوند به او پاداش بزرگی خواهد داد.»

قسمت دهم: حج

هان مردمان! همانا حج و عمره از شعائر و آداب و رسوم خدایی است. پس زائران خانه ی خدا و عمره کنندگان بر صفا و مروه بسیار طواف کنند.
هان مردمان! در خانه ی خدا حج گزارید؛ که هیچ خاندانی داخل آن نشد مگر بی نیاز شد و مژده گرفت، و کسی از آن روی برنگردانید مگر بی بهره و نیازمند گردید.

هان مردمان! مؤمنی در موقف (عرفات، مشعر، منا) نماند مگر این که خدا گناهان گذشته ی او را بیامرزد و بایسته است که پس از پایان اعمال حج [با پرونده ی پاک] کار خود را از سر گیرد.

هان مردمان! حاجیان دستگیری شده اند و هزینه های سفرشان جبران می شود و جایگزین آن به آنان خواهد رسید. و البته خداوند پاداش نیکوکاران را تباه نخواهد کرد.

هان مردمان! خانه ی خدا را با دین کامل و دانش ژرفای آن دیدار کنید و از زیارتگاهها جز با توبه و بازایستادن [از گناهان] برنگردید.

هان مردمان! نماز را به پا دارید و زکات بپردازید همان سان که خداوند عزوجل امر فرموده. پس اگر زمان بر شما دراز شد و کوتاهی کردید یا از یاد بردید، علی علیه السلام صاحب اختیار و تبیین کننده ی بر شماست. خداوند عزوجل او را پس از من امانتدار خویش در میان آفرید گانش نهاده. همانا او از من و من از اویم. و او و فرزندان من از جانشینان او، پرسش های شما را پاسخ دهند و آن چه را نمی دانید به شما می آموزند.

أَلَا إِنَّ الْحَلَالَ وَالْحَرَامَ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أَحْصِيَهُمَا وَأَعْرِفَهُمَا فَأَمُرُ بِالْحَلَالِ وَانْهَى عَنِ الْحَرَامِ فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَأَمَرْتُ أَنْ آخِذَ الْبَيْعَةَ مِنْكُمْ وَالصَّفْقَةَ لَكُمْ بِقَبُولِ مَا جِئْتُ بِهِ عَنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَوْصِيَاءِ مِنْ بَعْدِهِ الَّذِينَ هُمْ مِنِّي وَمِنْهُ إِمَامَةٌ فِيهِمْ قَائِمَةٌ، خَاتِمُهَا الْمَهْدِيُّ إِلَى يَوْمِ يَلْقَى اللَّهُ الَّذِي يَقْدَرُ وَيَقْضَى. مَعَاشِرَ النَّاسِ، وَكُلُّ حَلَالٍ دَلَّلْتُكُمْ عَلَيْهِ وَكُلُّ حَرَامٍ نَهَيْتُكُمْ عَنْهُ فَإِنِّي لَمْ أَرْجِعْ عَنْ ذَلِكَ وَلَمْ أُبَدِّلْ. أَلَا فَادْكُرُوا ذَلِكَ وَاحْفَظُوهُ وَتَوَاصَوْا بِهِ، وَلَا تُبَدِّلُوهُ وَلَا تُعَيِّرُوهُ. أَلَا وَإِنِّي أَجِدُ الدَّلِيلَ: أَلَا فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ.

أَلَا وَإِنْ رَأَسَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ أَنْ تَنْتَهُوا إِلَى قَوْلِي وَتُبَلِّغُوهُ مَنْ لَمْ يَحْضُرْ وَتَأْمُرُوهُ بِقَبُولِهِ عَنِّي وَتَنْهَوْهُ عَنْ مُخَالَفَتِهِ، فَإِنَّهُ أَمْرٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَمِنِّْي. وَلَا أَمْرٌ بِمَعْرُوفٍ وَلَا نَهْيٍ عَنْ مُنْكَرٍ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ مَعْصُومٍ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، الْقُرْآنُ يَعْرِفُكُمْ أَنَّ الْأُئِمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ وُلْدُهُ، وَعَرَفْتُمْكُمْ إِنَّهُمْ مِنِّي وَمِنْهُ، حَيْثُ يَقُولُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ: (وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ) ^(٥٤). وَقُلْتُ: «لَنْ تَضِلُّوا مَا إِنْ تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا». مَعَاشِرَ النَّاسِ، التَّقْوَى، التَّقْوَى، وَاحْذَرُوا السَّاعَةَ كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: (إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ) ^(٥٧). اذْكُرُوا الْمَمَاتَ (وَالْمَعَادَ) وَالْحِسَابَ وَالْمَوَازِينَ وَالْمِحَاسِبَةَ يَبْنِي يَدَى رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالتَّوَابَ وَالْعِقَابَ. فَمَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ أَثِيبَ عَلَيْهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَيْسَ لَهُ فِي الْجَنَانِ نَصِيبٌ.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّكُمْ أَكْثَرُ مِنْ أَنْ تُصَافِقُونِي بِكَفٍّ وَاحِدٍ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ، وَقَدْ أَمَرَنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ آخِذَ مِنَ السِّتَةِ الْإِقْرَارَ بِمَا عَقَدْتُ لِعَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَلِمَنْ جَاءَ بَعْدَهُ مِنَ الْأُئِمَّةِ مِنِّي وَمِنْهُ، عَلِيٍّ مَا أَعْلَمْتُكُمْ أَنَّ ذُرِّيَّتِي مِنْ صُلْبِهِ. فَقُولُوا بِأَجْمَعِكُمْ: «إِنَّا سَامِعُونَ مُطِيعُونَ رَاضُونَ مُتَقَادُونَ لِمَا بَلَغَتْ عَنْ رَبِّنَا وَرَبِّكَ فِي أَمْرِ إِمَامِنَا عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ وُلِدَتْ مِنْ صُلْبِهِ مِنَ الْأُئِمَّةِ. نُبَايِعُكَ عَلَى ذَلِكَ بِقُلُوبِنَا

قسمت یازدهم: احکام الهی

هان! روا و ناروا بیش از آن است که من شمارش کنم و بشناسانم و در این جا یکباره به روا فرمان دهم و از ناروا بازدارم. از این روی مأمورم از شما بیعت بگیرم که دست در دست من نهید در مورد پذیرش آن چه از سوی خداوند آورده ام درباره ی علی علیه السلام امیرالمؤمنین و اوصیای پس از او که آنان از من و اویند. و این امامت به وراثت پایدار است و فرجام امامان مهدی است و استواری امامت تا روزی است که او یا خداوند قدر و قضا دیدار کند.

هان مردمان! شما را به هرگونه روا و ناروا راهنمایی کردم و از آن هرگز برنمی گردم. بدانید و آگاه باشید! آن ها را یاد کنید و نگه دارید و یکدیگر را به آن توصیه نمایید و در آن [احکام خدا] دگرگونی راه ندهید. هشدار که دوباره می گویم: بیدار باشید! نماز را به پا دارید. و زکات بپردازید. و امر به معروف کنید و از منکر بازدارید.

و بدانید که ریشه ی امر به معروف این است که به گفته ی من [درباره ی امامت] برسید و سخن مرا به دیگران برسانید و غایبان را به پذیرش فرمان من توصیه کنید و آنان را از ناسازگاری سخنان من بازدارید؛ همانا سخن من فرمان خدا و من است و هیچ امر به معروف و نهی از منکری جز با امام معصوم تحقق و کمال نمی یابد. هان مردمان! قرآن بر شما روشن می کند که امامان پس از علی فرزندان اویند و من به شما شناساندم که آنان از او و از من اند. چرا که خداوند در کتاب خود می گوید: «امامت را فرمانی پایدار در نسل او قرار داد...» و من نیز گفته ام که: «مادام که به قرآن و امامان تمسک کنید، گمراه نخواهید شد.»

هان مردمان! تقوا را، تقوا را رعایت کرده از سختی رستاخیز بهراسید همان گونه که خداوند عزوجل فرمود: «البته زمین لرزه ی روز رستاخیز حادثه ی بزرگ است...»

مرگ، قیامت، و حساب و میزان و محاسبه ی در برابر پروردگار جهانیان و پاداش کیفر را یاد کنید. آن که نیکی آورد، پاداش گیرد. و آن که بدی کرد، بهره ای از بهشت نخواهد برد.

قسمت دوازدهم: بیعت گرفتن

هان مردمان! شما بیش از آنید که در یک زمان با یک دست من بیعت نمایید. از این روی خداوند عزوجل به من دستور داده که از زبان شما اقرار بگیرم و پیمان ولایت علی امیرالمؤمنین علیه السلام را محکم کنم و نیز بر امامان پس از او که از نسل من و اویند؛ همان گونه که اعلام کردم که ذریه من از نسل اوست.

پس همگان بگویند: «البته که سخنان تو را شنیده پیروی می کنیم و از آن ها خشنودیم و بر آن گردن گذار و بر آن چه از سوی پروردگارمان در امامت امامان علی امیرالمؤمنین علیه السلام و امامان دیگر - از صلب او - به ما ابلاغ کردی، با تو پیمان می بندیم با دل و جان و زبان و دست هایمان. با این پیمان زنده ایم و با آن خواهیم مرد و با آن اعتقاد برانگیخته می شویم.

وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا وَأَيَّدِينَا. عَلَى ذَالِكَ نَحْيَى وَ عَلَيْهِ نَمُوتُ وَ عَلَيْهِ نُبْعَثُ. وَلَا نَعِيرُ وَلَا نُبَدِّلُ، وَلَا نَشْكُ (وَلَا نَجْحَدُ) وَلَا تَرْتَابُ، وَلَا نَرْجِعُ عَنِ الْعَهْدِ وَلَا نَنْقُضُ الْمِيثَاقَ.

وَعَظَّمْنَا بِوَعْظِ اللَّهِ فِي عَلَيٍّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْأَئِمَّةِ الَّذِينَ ذَكَرْتَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ مِنْ وَلَدِهِ بَعْدَهُ، الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنَ وَ مَنْ نَصَبَهُ اللَّهُ بَعْدَهُمَا. فَالْعَهْدُ وَالْمِيثَاقُ لَهُمْ مَا خُذْنَا مِنْ قُلُوبِنَا وَأَنْفُسِنَا وَالسِّنَّتِنَا وَضَمَائِرِنَا وَأَيَّدِينَا. مَنْ أَدْرَكَهَا بِيَدِهِ وَإِلَّا فَقَدْ أَقَرَّ بِلِسَانِهِ، وَلَا نَبْنَعِي بِذَلِكَ بَدَلًا وَلَا يَرَى اللَّهُ مِنْ أَنْفُسِنَا حَوْلًا. نَحْنُ نُوَدِّي ذَالِكَ عَنْكَ الدَّانِي وَالْقَاصِي مِنْ أَوْلَادِنَا وَأَهَالِينَا، وَ نُشْهَدُ اللَّهَ بِذَلِكَ وَ كَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا وَأَنْتَ عَلَيْنَا بِهِ شَهِيدٌ». مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَا تَقُولُونَ؟ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ كُلَّ صَوْتٍ وَ خَافِيَةٍ كُلِّ نَفْسٍ، (فَمَنْ اهْتَدَى فَلِنَفْسِهِ وَ مَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا)^(٥٨)، وَ مَنْ بَايَعَ فَإِنَّمَا يُبَايِعُ اللَّهَ، (يُدَّ اللَّهُ فَوْقَ أَيْدِيهِمْ)^(٥٩). مَعَاشِرَ النَّاسِ، فَبَايِعُوا اللَّهَ وَ بَايِعُونِي وَ بَايِعُوا عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ وَالْأَئِمَّةَ (مِنْهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ) كَلِمَةً بَاقِيَةً.

يُهِلِكُ اللَّهُ مَنْ غَدَرَ وَ يَرْحَمُ مَنْ وَ فَيَ، (وَ مَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِهُ اللَّهُ فَمُيَوَّتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا)^(٦٠). مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا الَّذِي قُلْتُ لَكُمْ وَ سَلِّمُوا عَلَى عَلِيٍّ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ، وَ قُولُوا: (سَمِعْنَا وَ أَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا وَ إِلَيْكَ الْمَصِيرُ)^(٦١)، وَ قُولُوا: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) الْآيَةِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، إِنَّ فَضَائِلَ عَلِيٍّ بِنِ أَبِي طَالِبٍ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ قَدْ أَنْزَلَهَا فِي الْقُرْآنِ - أَكْثَرُ مِنْ أَنْ أُحْصِيَهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ، فَمَنْ أَنْبَأَكُمْ بِهَا وَ عَرَفَهَا فَصَدَّقُوهُ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ وَ عَلِيًّا وَ الْأَئِمَّةَ الَّذِينَ ذَكَرْتَهُمْ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا.

مَعَاشِرَ النَّاسِ، السَّابِقُونَ إِلَى مُبَايَعَتِهِ وَ مَوَالَاتِهِ وَ التَّسْلِيمِ عَلَيْهِ بِإِمْرَةِ الْمُؤْمِنِينَ أُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ فِي جَنَاتِ النَّعِيمِ. مَعَاشِرَ النَّاسِ، قُولُوا مَا يَرْضَى اللَّهُ بِهِ عَنْكُمْ مِنَ الْقَوْلِ، فَإِنْ تَكْفَرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ (بِمَا أَدَيْتُ وَأَمَرْتُ) وَ اغْضِبْ عَلَى (الْجَاهِدِينَ) الْكَافِرِينَ، وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

و هرگز آن را دگرگون نکرده شک و انکار نخواهیم داشت و از عهد و پیمان خود

برنمی گردیم.

[ای رسول خدا] ما را به فرمان خدا پند دادی درباره ی علی امیرالمؤمنین و امامان از نسل خود و او، (یعنی) حسن و حسین علیهم السلام و آنان که خداوند پس از آنان برپا کرده است. پس عهد و پیمان از ما گرفته شد از دل و جان و زبان و روح و دستانمان. هر کس توانست با دست و گرنه با زبان پیمان بست. و هرگز پیمانمان را دگرگون نخواهیم کرد و خداوند از ما شکست عهد نبیند. و نیز فرمان تو را به نزدیک و دور از فرزندان و خویشان خود خواهیم رسانید و خداوند را بر آن گواه خواهیم گرفت. و هر آینه خداوند بر گواهی کافی است و تو نیز بر ما گواه باش.

هان مردمان! چه می گوئید؟ همانا خداوند هر صدایی را می شنود و آن را که از دل ها می گذرد می داند. «هر آن کس هدایت پذیرفت، به خیر خویش پذیرفته. و آن که گمراه شد، به زیان خود رفته.» و هر کس بیعت کند، هر آینه با خداوند پیمان بسته؛ که «دست خدا بالای دستان آن هاست.»

هان مردمان! اینک با خداوند بیعت کنید و با من پیمان بندید و با علی امیرالمؤمنین علیه السلام و حسن و حسین علیهم السلام و امامان پس از آنان از نسل آنان که نشانه ی پادارند در دنیا و آخرت.

خداوند مکاران را تباه می کند و به باوفایان مهر می ورزد. «هر که پیمان شکند جز این نیست که به زیان خود گام برداشته، و هر که بر عهدی که با خدا بسته پابرجا ماند، به زودی خدا او را پاداش بزرگی خواهد داد.»

هان مردمان! آن چه بر شما برگفتم بگوئید و به علی علیه السلام با لقب امیرالمؤمنین سلام کنید و بگوئید: «شنیدیم و فرمان می بریم پروردگارا، آمرزشت خواهیم و بازگشت به سوی تو است.» و نیز بگوئید: «تمام سپاس و ستایش خدایی راست که ما را به این راهنمایی فرمود و گرنه راه نمی یافتیم» - تا آخر آیه.

هان مردمان! هر آینه برتری های علی بن ابی طالب علیه السلام نزد خداوند عزوجل - که در قرآن نازل فرموده - بیش از آن است که من یکباره برشمارم. پس هر کس از مقامات او خبر داد و آن ها را شناخت او را تصدیق و تأیید کند.

هان مردمان! آن کس که از خدا و رسولش و علی علیه السلام و امامانی که نام بردم پیروی کند، به رستگاری بزرگی دست یافته است.

هان مردمان! سبقت جوین به بیعت و پیمان و سرپرستی او و سلام بر او با لقب امیرالمؤمنین، رستگارانند و در بهشت های پربهره خواهند بود. هان مردمان! آن چه خدا را خشنود کند بگوئید. پس اگر شما و تمامی زمینیان کفران ورزند، خدا را زبانی نخواهد رسانید. پروردگارا، آنان را که به خاطر آن چه ادا کردم و فرمان دادم ایمان آوردند، بیامرز. و بر منکران کافر خشم گیر! و الحمدلله رب العالمین.

برگرفته از:

۱. اسرار غدیر، محمدباقر انصاری، نشر مولود کعبه
۲. غدیر زلال وحی، گردآوری بخش فرهنگی مجمع عاشقان بقیع قم
۳. سایت: www.ghadir.com

پی نوشت ها:

۱. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۲۰۱.
۲. عوالم العلوم: ج ۳/۱۵ ص ۱۶۷ و ۲۹۷، الغدير: ج ۱ ص ۹ و ۱۰، بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۶۰ و ۳۸۳ و ۳۹۰.
۳. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۳، ح ۲۱ ص ۳۸۰.
۴. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۴.
۵. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۲۰، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۳۹، کتاب سلیم بن قیس: ص ۷۳۰.
۶. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۱۵۸، الغدير: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۶۸.
۷. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، و ج ۳۷ ص ۱۷۳ و ۲۰۳ و ۲۰۴، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۵۰ و ۶۰ و ۷۵ و ۷۹ و ۸۰ و ۳۰۱، الغدير: ج ۱ ص ۱۰ و ۲۲.
۸. «کَرَاع» پایان مسیل و انتهای مسیر آب است. «غمیم» نام این آبگیر بوده است. «غدير» به معنای گودالی است که پس از عبور سیل، آب در آن باقی می ماند. «خم» نام این آب بوده است. محل «غدير خم» در سلسله جبال جحفه و به همین نام معروف است.
۹. بحارالانوار: ج ۲۱ ص ۳۸۷، ص ۲۰۹، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۴ و ۹۷ و ۳۰۱.
۱۰. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۱ و ۲۰۹.
۱۱. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۶۶ و ۱۲۷، الغدير: ج ۱ ص ۵۸ و ۲۷۱ و ۲۷۴، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۲، ۶۰، ۶۵، ۱۳۴، ۱۳۶، ۱۹۴، ۱۹۵، ۲۰۳، ۲۰۵، شرف المصطفی (نیشابوری).
۱۲. الغدير: ج ۱ ص ۲۱۹، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۱۹۹.
۱۳. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۱۲ و ۱۶۶ و ۱۹۵، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۴۱ و ۹۸ و ۱۴۴ و ۲۰۱.
۱۴. متن عربی اشعار از کتاب سلیم بن قیس: ص ۸۲۸ نقل شده، که با کمی تفاوت در کتب دیگر هم نقل شده است.
۱۵. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۲۰ و ۱۶۱، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۸۵ و ۱۳۶.
۱۶. بحارالانوار: ج ۳۷ ص ۱۳۶ و ۱۶۲ و ۱۶۷، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۵۶ و ۵۷ و ۱۲۹ و ۱۴.
۱۷. لازم به تذکر است که نام «حارث فهری» در روایات به اسمهای مختلف آمده است که احتمالاً بعضی از نامها مربوط به دوازده نفر همراهان او باشد.

۱۶. سوره معارج آیه ۱.
۱۷. بحار الانوار، ج ۳۷ ص ۱۳۶، عوالم: ج ۳/۱۵ ص ۶۸، کشف المهم: ص ۱۰۹
۱۸. بحار الانوار، ج ۴۱ ص ۲۲۸.
۱۹. مائده/۶۷، عبارت میان دو خط تیره جنبه توضیحی دارد و بخشی از آیه کریمه نیست.
۲۰. مائده/۵۵ ۲۱. فتح/۱۱ ۲۲. توبه/۶۱
۲۳. مائده/۶۷ ۲۴. یس/۱۲
۲۵. برگرفته از آیه ۱۸ سوره مبارکه حشر و آیه ۹۴ سوره مبارکه نحل
۲۶. زمر/۵۶ ۲۷. ق/۲۹ ۲۸. مائده/۳۰
۲۹. آل عمران/۸۵ ۳۰. آل عمران/۲۲ ۳۱. توبه/۱۷
۳۲. آل عمران/۸۷ ۳۳. آل عمران/۱۰۲
۳۴. اشاره ضمنی به آیه ۸ سوره مبارکه تغابن
۳۵. نساء/۴۷ ۳۶. آل عمران/۱۴۴
۳۷. اشاره ضمنی به آیه ۳۱ سوره مبارکه الرحمن
۳۸. الرحمن/۳۵ ۳۹. آل عمران/۱۷۹
۴۰. مرسلات/۱۹-۱۶ ۴۱. حمد/اول تا آخر
۴۲. اشاره ضمنی به آیه ۶۲ سوره مبارکه یونس
۴۳. مجادله/۲۲ ۴۴. انعام/۸۲
۴۵. اشاره ضمنی به آیه ۴۶ از سوره مبارکه حجر
۴۶. زمر/۷۳ ۴۷. اشاره ضمنی به آیه ۴۰ از سوره مبارکه غافر
۴۸. اشاره ضمنی به آیه ۱۰ از سوره مبارکه نساء
۴۹. اشاره ضمنی به آیه ۱۰۶ از سوره مبارکه هود
۵۰. اعراف/۳۸ ۵۱. ملک/۱۱-۸ ۵۲. ملک/۱۲
۵۳. اشاره ضمنی به آیه ۷ از سوره مبارکه رعد
۵۴. فتح/۱۰ ۵۵. بقره/۱۵۸ ۵۶. زخرف/۲۸ ۵۷. حج/۱
۵۸. زمر/۴۱ ۵۹. و - ۶۰ فتح/۱۰ ۶۱. بقره/۲۸۵

برخی از محصولات فرهنگی حوزه معاونت دانشجویی و فرهنگی دانشگاه یزد

مهر خوبان

در این مجموعه به طور مختصر با مفاخر علمی - قرآنی ایران زمین آشنا می شوید.



نسیم ولایت

قطره ای است از زندگی
دریا مردی که زمانه از درک
حقیقتش عاجز گشت.



نسیم حیات

مجموعه ای ارزشمند برای شناخت
اجمالی و آشنایی هرچه بیشتر و بهتر از
ائمه اطهار علیهم السلام.

